



مجموعه اجمالی پیرامون: آداب اخلاق و علوم مداحی نوشته قاسم رضایی

فهرست

- ۱ - حفظ حرمت احترام به مردم و علماء دین
- ۲ - روحیه انتقاد پذیری
- ۳ - خدمتگذاری به مردم
- ۴ - انصاف در نقل مطالب و توسل
- ۵ - زمان شناسی و مردم شناسی
- ۶ - پرهیز از ورود به تحریفات
- ۷ - خودداری از افراط
- ۸ - پرهیز از دروغگویی
- ۹ - غلو خواست دشمن
- ۱۰ - دعا خوانی، جذاب و اثر گذار
- ۱۱ - علوم مداحی (مداحی کاری بس دشوار)
- ۱۲ - کسب معرفت علمی و اعتقادی
- ۱۳ - اخلاص در مداحی
- ۱۴ - هماهنگی قول و عمل (دو صد گفته چون نیم کردار نیست)
- ۱۵ - موقعیت شناسی رمز تاثیر گذاری
- ۱۶ - فن روضه خوانی
- ۱۷ - روش مطالعه و یادگیری
- ۱۸ - شعر از منظر قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و شعر آئینی
- ۱۹ - ویژگی‌های شخصیتی و تخصصی مداحان

شعر

مقدمه

شعر شورانگیز و شکوفایی شیعی، آئین و آئینه زیستن و سلوک عارفانه و عاشقانه شیعه است، شعری که بیش از يك هزاره، خوانندگان و خواهندگان را به سرچشمه زلال معرفت و محبت و قله‌های شهود و شهادت می‌رساند. شعر شیعی، شعر عاشورائی، ترجمان، مظلومیت، مجاهدت و ایستادن در باران تیر و تیغ و تهمت و نشکستن در سهمگین‌ترین و هراس‌انگیزترین صحنه و لحظه هاست، مطالعه يك هزاره سروده‌های شیعی فارسی گواه آن است که شاعران آئینی از چند عنصر و عامل زیر به آفرینش آثار ماندگار و تأثیر گذار در زمینه خاندان آل ... به ویژه عاشورا دست یافته‌اند. پنج دلیل ذیل موجب شد تا از شعر آئینی استقبال شود.

۱ - واقعیت اندوه‌بار و تراژدی دردناک و مظلومیت موالیان شیعه به ویژه حادثه کربلا.

۲ - شگفتی و شکوه و شوکت حادثه آفرینندگان آن

۳ - دعوت همواره امامان و پیشوایان به سرودن و گفتن و طرح آن

۴ - نمایش و برپایی حوادث و استعداد شگرف آن برای مطرح شدن در همه زمانها و زمینها

۵ - پذیرفتن با جان و دل عمیق شیعه ولائی نسبت به شعر ولائی

اساسی‌ترین دلیل دعوت همواره امامان و پیشوایان دین به سرودن و طرح رنجه‌ها و مصائب، برانگیزاننده بسیاری از شاعران در سرودن و خلق آثار و اشعار ماندگار و تأثیر گذار است که نمونه بارز آن کمیت اسدی، سید حمیری در عهد امام صادق (علیه السلام) و دعبل خزائی در عهد امام رضا (علیه السلام).

این دعوت تنها برای شعله‌ور کردن احساسات و عواطف نیست، بهانه و دستاویز پیوند قلب‌ها با اهل بیت، رسوا کردن ستمکار، ترسیم مظلومیت شیعه و مرور همواره نهضت‌های ستم سوز و انسان ساز است. تا اسوه مناسب و خالص برای همه زمان‌ها باشد. امام سجاد (علیه السلام) که خود نظاره‌گر و شاهد سوگواری عاشورا است می‌فرماید: ایما مومن دمعت عیناه لقتل الحسین بن علی (علیه السلام) و معه حتی سئل علی خده بواء اله بها فی اجنه غرفا (وسائل الشیعه، جلد ۱۴، ص ۵۰۸)

حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می‌فرماید: فعلی مثل الحسین فلیک الباکون فان البکاء علیه محیط الذنوب العظام. با این مقدمه اجمالی برای شناخت عمیق شعر شیعی در خصوص موارد ذیل به بحث می‌نشینیم.

۱) آسیب شناسی شعر

واژه شعر از دیدگاه ادب تازی به معنای دانش و بینش است، شاعر را از آن جهت شاعر گویند که به مفاهیمی دست پیدا می‌کند که دیگران به آن ره نیابند.

دستمایه شعر، ادراک، تفقه و فطن است و دست آورد آن تحریک عواطف و احساسات و ایجاد شعور و آگاهی در فرد و جامعه است و دو واژه شعر و شعر از يك ریشه هستند. شعر به معنای سخن موزون و شعر به معنای موی می‌باشد. اگر در يك سخن موزون به نکاتی باریک‌تر از مو توجه نشود ارباب کمال آن را نظم خوانده و شعر ندانسته. ولی شعر باید الزاما موزون باشد و از مرزهای تجبن شده در علم عروض تجاوز نکنند. سخن حکیمانه اگر با اسلوب صنایع ادبی تلفیق شده باشد تأثیر شگفتی در مستمع خواهد کرد و سخن ادیبانه اگر دارای معنای حکیمانه باشد اثری جاوید و ماندگار خواهد داشت. یکی از آسیبهای شعر بی توجهی به این دو هم می‌باشد.

پیامبر می‌فرماید: ان الشعر الحکمه؛ براستی برخی از اشعار آکنده از حکمت می‌باشد (البدایه و النهایه، ج ۹، ص ۴۵)

۲) جایگاه شعر و شاعری از دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم برای توجه دادن جامعه بشری به جایگاه رفیع شعر و شاعری بیت و ششمین سوره خود را به نام شعرا نامگذاری کرده است و آیات پایانی آن را به شعر و شعرا اختصاص داده است. خداوند منان در این آیات مبارکه شعرا را به دو گروه هدفمند و بی هدف و به تعبیری متعهد و غیر متعهد تقسیم نموده است.

۳) نشانه‌های شاعران غیر متعهد در قرآن (سوره شعرا، ۲۳۴)

نشانه اول - والشعراء يتبعهم الغاوان؛ و این گروه از شاعرانند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند. از احادیث اهل‌البیت عصمت و طهارت (علیه السلام) استفاده می‌شود که در این آیه فقط شاعران مورد توجه نیستند بلکه همه کسانی که سخن باطل را می‌آرایند و گروهی را دنبال خود می‌کشاند مورد نظر هستند. الف (امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: آنان کسانی هستند که برای غیر دین تفقه کردند. پس گمراه شوند و گمراه کردند. (تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۵۱) ب: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: آنان گروهی هستند که بدون پشتوانه علم به دانش و فقاقت تظاهر کردند پس گمراه شدند و دیگران را هم گمراه کردند. (مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۲۵) ج: (امام صادق (علیه السلام) فرمودند: آنان فقهای هستند که سخنان باطل را در دل مردم جایگزین کردند. (تاویل الایات، ج ۱، ص ۳۹۹).

ابن عباس گویند: منظور از آیه فوق شاعران شرک پیشه هستند. از جمله ابن زبیری، ابوسفیان، ابوغره، امیه، هبیره، نشانه دوم الم ترانهم فی کل واد یهیمون؛ آیا نمی‌بینی که آنها در هر وادی سرگشته و سرگردانند. (شعرا ۲۳۵) زیرا بیشتر مقدمات آنها خیالات پوچ و بیشتر سخنان آنها تعرض به انساب، تغزل به حرام، تشبیب ناروا، طعن در نوامیس، قذح در نسب، وعده‌های دروغین، مباهات باطل، ستایش بیجا و نکوهش نارواست.

ابن عباس در سفیر آیه می‌گوید: در هر سخن بیهوده خوض کند. مجاهد گوید: در هر فنی دخالت کنند. علی بن ابراهیم گویند: با سخنان گزاف استدلال کند. با دلایل پوچ و بی اساس مجادله نمایند و از هر مذهب و آئینی پیروی کنند. این گروه از شعرا چون خشم آورند، فحش دهند، چون به سخن آیند دروغ گویند، چون صله‌ای داده شد دهان به ستایش گشایند و اگر منع شوند هجو می‌کنند.

نشانه سوم - آنها کسانی هستند که دیگران را موطئه می‌کنند و خود پند نمی‌گیرند. دیگران را امر به معروف می‌کنند و خود عمل نمی‌کنند. دیگران را نهی از منکر می‌کنند و خود پرهیز نمی‌نمایند، دیگران را ترغیب می‌کند به اموری که خود عمل نمی‌کنند. از می و میگساری سخن می‌گویند در حالی که خود اهل می و باده‌نوشی می‌باشند. وعده‌ای دروغین داده، تهدیدهایی بیجا می‌کنند، سوگندهای دروغ یاد می‌کند. بانوان پاکدامن را قذف می‌کنند و به اعمالی که انجام نداده‌اند مباهات می‌نمایند.

۴) نکوهش شاعران غیر متعهد

شاعرانی که ویژگی‌های فوق را دارا باشند، به شدت مورد نکوهش اسلام می‌باشند و اشعار آنها مورد مذمت اسلامی و قرآن می‌باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مورد این گونه اشعار می‌فرماید: اگر درون یکی از شما آکنده از چرک و خونابه باشد بهتر است از این که پر از شعر گردد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) این جمله را در مورد شاعری فرمود که شعر و چکامه سرائی را شغل خود قرار داده بود هر کس به او صله می‌داد، او را به دروغ می‌ستود و هرکس به او صله نمی‌داد او را به نابجا هجو می‌کرد. به نوامیس مردم متعرض می‌شد و همگان را با سخنان بی‌جای خود می‌آزرد. (جامع الحکام، ج ۳، ص ۱۵۰)

پیامبر فرمود: به شاعرانی که زنان پاک دامن را قذف می‌کنند سلام نکنند. در حدیث دیگری فرمودند: هر کس در اسلام هجوی بنیاد نهد زبانش را ببرید.

ابن عباس گوید: پس از فتح مکه شیطان همه ذریه‌اش را گرد آورد و به آنها گفت از این که امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به شرک و بت پرستی برگردند دیگر ناامید شوید. ولی در میان آنها شعر و هزل رواج دهید. اگر محتوا باطل و ناروا باشد به نظم آوردن آن بر قدرت تخریبی‌اش می‌افزاید و باید به شدت از آن پرهیز شود.

۵) سیمای شاعران متعهد در قرآن

الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و ذکر و ... کثیرا و المنتصر من بعد مظلوما؛ به جز کسانی که ایمان آورده، عمل شایسته انجام داده خدا را فراوان یاد کنید و هنگامی که مورد ستم قرار گرفتند به دفاع از خویشان برخاسته از شعر، یاری جویند.

قرآن پس از نکوهش شاعران غیر متعهد، شاعران متعهد را با چهار نشانه از آنها جدا کرده است.

۱) ایمان، ۲) عمل صالح، ۳) ذکر فراوان و ۴) دفاع از حقوق مظلومان.

این آیه شعرائی را استثنا می‌کند که مومن، نیکوکار به یاد پروردگار و مدافع حقوق مظلومان باشند و بیشتر اشعار آنها بر محور توحید، ستایش خدا، تشویق به اطاعت خالق دور می‌زند و اگر در مورد هجو بگویند به منظور دفاع از مظلوم و مقابله با دشمنان هجو سرای آنان را هجو کنند. (فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۵)

مشرکان پیامبر اکرم را هجو کردند. شاعرانی مثل حسان، کعب بن مالک و کعب بن زبیر بیشتر آنها را هجو می‌کردند. پس از نزول آیات یاد شده حسان بن ثابت، عبد اله بن رواحه و کعب بن مالک به محضر پیامبر خدا شتافتند و عرضه داشتند یا رسول الله خداوند این آیه را نازل کرده و ما شاعر هستیم چه کنیم. فرمودند: دنباله آیه را بخوانید. الذین آمنوا (الکشف و البیان، ج ۷، ص ۱۸۶)

با قید ایمان و عمل صالح مادحان شیعه و شاعران شیفته اهل البیت از شاعران نکوهیده است استثنا شدند. اما در مورد ذکر کثیر تفاسیری بیان شده است.

۱) در گفته‌ها و سروده‌های خود فراوان به یاد خدا باشند.

۲) برای جبران بذله گویی و مطایبه‌های خود، فراوان از خدا یاد کنند.

۳) چکامه سرایی آنان را از یاد خدا غافل نسازد.

۴) چون با حلال و حرام مواجه شدند به یاد خدا باشند.

۵) در خلوت و در جلوت به یاد خدا باشند.

۶) به تسبیح حضرت فاطمه (س) مداومت کنند.

۷) به هنگام مواجه با گناه یاد خدا بوده و از گناه پرهیز کنند.

۶) نظر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره شاعر متعهد

کعب بن مالک، نظر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در مورد شعر متعهد جویا می‌شود و پاسخ می‌شنود. حضرت فرمودند: « مؤمن با شمشیر زبانش هر دو جهاد می‌کند، و سوگند بخدایی که جانم در دست اوست، شعر آنان (شاعران) به مثابه شمشیری است که به طرف دشمن نشانه رفته است ». (مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۰۸)

وجه منزلتی بالاتر از این برای يك شاعر متعهد دینی که سرودن شعرش شرکت در جهاد تلقی شده است آن است که توسط کسی که سخنش به منزله وحی منزل و شعر توفنده و حماسی او به تیری تشبیه شود که سینه دشمن را نشانه رفته است. آن هم توسط پیامبری که آیه والشعراء يتبعهم الغاوان را از امین وحی گرفته و به مسلمانان ابلاغ فرموده است. تا حسب شعر ارزشمند دینی را از حساب شعر ضد ارزش عصر جاهلی جدا سازد.

(۷) رسول خدا، شعرا را به سرودن شعر انتقادی تشویق می‌کنند

پیامبر گرامی اسلام بارها شعرای زمان را به سرودن اشعار انتقادی که ابهت دشمن را بشکند، تشویق می‌کردند:

۱ - با شعر خود دشمن را در معرض هجو قرار دهید. براسی که مؤمن با جان و مال خود جهاد می‌کند. سوگند به آن خدائی که جان محمد در دست اوست. شاعر مسلمان و مدافع حق شعرش بسان تیری است که به سوی دشمن رها می‌گردد. (الغدیر، ج ۲، ص ۷)

۲ - سوگند به آن خدائی که جانم در دست اوست شما (شاعران) با اشعاری که می‌سزائید، گوئی به طرف دشمن نشانه می‌روید. (همان منبع)

۳ - مشرکان را هجو کن و تا زمانی که سرگرم هجو آنان هستی، روح القدوس با تو است. (مستدرک، ج ۳، ص ۴۸۰)

چنانچه در سه فراز روایی می‌بینید سرودن شعر هدفمند دینی از نظر رسول خدا به منزله جهاد با جان در راه خداست و همانند تیری است که علیه دشمن به کار گرفته می‌شود و این اختصاص به زمان خاص ندارد و شاعر متعهد دینی در هر زمانی که زندگی می‌کند باید شعر یا شعرهای او امان دشمن را بگیرد و با سلاح شعر که موثرترین سلاح هاست بر پویندگان طریق کفر و تباهی بتازد.

(۸) ویژگیهای شعر آئینی که آن را از سایر اشعار متمایز می‌کند

اول - آسمانی‌ترین است.

معشوق‌ها، محبوب‌ها، مطلوب‌ها، ستوده‌ها، ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها در عمرم سبک‌های ادبی جهان یا کاملاً زمینی اند یا حداکثر ترکیبی اندازه زمین و آسمان، مادیت و معنویت، جسم و روح طبیعت و ماوراء طبیعت، از آثار اشیل و سوفکل در ادبیات باستانی یونان گرفته تا هومر، شکسپیر و گوته تا آثار برجسته ادب ایرانی مثل و یس و رامین، وامق و عذراء، شیرین و فرهاد و لیلی و جنون.

هیچ حاکمیتی غیر از حکومت حق را نمی‌پذیرفتند و جان و سر به سلطه جابر نمی‌سپردند. کدام آئینی را در عالم می‌توان سراغ داشت که شاعرش، تنها به دلیل شعرش عمری دار خود را بردوش بکشد و خائفانه از شهری به شهری بگریزد و همچنان دست از سرودن شعر و ستایش معشوق و مراد خویش برندارد.

شعر شیعی را فقط در مقطع کنونی و عصر حاضر نباید دید و سنجید که شاعرش محبوب همگان می‌شد و شعرش مورد اقبال تشویق ملت و حاکمیت (که هر دو از يك سنخ‌اند) قرار می‌گیرد. دوره‌ای بر شعر شیعی گذشته که خواندن يك بیت آن جرم نابخشودنی محسوب می‌شده، چه رس به سردودن و در دسترس قرار دادن آن، شاعری مثل سید اسماعیل حمیری، نه فقط از جانب حاکمیت که حتی از سوی پدر و مادر ناصبی خویش نیز مورد تهدید قرار می‌گیرد آن چنان که به دلیل عقاید و ترسیم آن در شعرش، ناگزیر خانه و کاشانه خویش را ترك می‌گوید و تا هنگام مرگ پدر و مادر خود در اختفاء و تبعید به سر می‌برد یا فرزدق فقط به دلیل حقیقت‌گویی در قصیده مدافعانه و شجاعانه‌اش در مدح و منقبت امام سجاد (علیه السلام) توسط عوامل هشام بن عبد الملك به زندان می‌افتد و تاوان شعرش را با حبس وایذاء و شکنجه پس می‌دهد که بخشی از آن قصیده عبارت است از:

و البيت يعرفه والحل و الحرم	خدا اندی تعرف ابطحاء و طاته
هذا التقى النفى الطاهر العلم	هذا بن خير عباداله كلهم
لولا الشهد كانت لا و نعم	ما قال لا قط الفی تشهده

با اشعار کمیت و سید حمیری و دعبل و... نمونه‌های شاخصی از این نوع ادبیات شیعی، آئینی و شجاعانه است.

دوم - شجاعانه‌ترین است

سخن گفتن درباره امامان شیعه و بردن نام آنان جرات می‌خواسته است چه رسد به مدح و تمجید و ستایش آنان در دوران حاکمیت ائمه کفر به استثنای مقطعی خاص، عرض ادب به آن بزرگواران جرم محسوب می‌شده است و شاعر و نویسنده که می‌خواسته از فضائل و مناقب و برتری‌های این خاندان بگوید، پیشاپیش می‌بایست جان خود را بر سر دست بگیرد و با همه تعالقات و دلبستگی‌های زمینی خود وداع کند. عمده‌ترین دلیلش هم این بوده که امامان، رقبای نابرابر حکام وقت محسوب می‌شدند و اگر مردم به برتری‌های الهی و ذاتی آنان پی می‌بردند، هر گزداند و این درک و دیانت را با شعرش منتقل می‌کند که اگر آن معنای عظمت ورافت امام حسین (علیه السلام) در کربلا از دشمن آب می‌خواهد. منظورش به واقع آب نیست، او که قباى شهادت پوشیده است در حالیکه همه عناصر گوش به فرمان اویند. محال است که لب به خواهش آب وا کند، بلکه او تا آخرین لحظه حیات به دنبال پیدا کردن حس آزادگی و غیرت است. آب برای حسین (علیه السلام)، بهانه است تا اگر شد حتی يك نفر دیگر را هم برکشتی نجات خود سوار کند. او که مظهر بزرگواری و عطوفت است ابراز تشنگی می‌کند تا به این وسیله گم کرده راهی را به چشمه هدایت رسانده و از آب بقا سیراب سازد. بهر ما آب روان نایب نیست قحط احباب است قحط آب نیست.

این ترکیب حماسه و عاطفه و این پیوند شکوه و مهربانی، گوهری است که ناب‌ترین و درخشان‌ترین آنان در فرهنگ تشیع یافت می‌شود و این گوهر ناب و نایاب به بهترین نحو در ادبیات شیعی معنی کرده است. پس می‌توان گفت که ادبیات شیعی یعنی ادبیات حماسه و عاطفه، ادبیات شکوه و مهربانی، ادبیات عزت و خشوع و ادبیات عظمت و کرامت است.

سوم - عاطفی‌ترین و صمیمی‌ترین است

مگر نه اصلی‌ترین وظیفه شعر، عاطفه برانگیزی و محبت‌پردازی است تار و پود شعر شیعی با عاطفه و محبت بافته و تنیده شده است. این جنس از عاطفه و صمیمت از جنس همان رابطه‌ای است که انسان با خدای خویش برقرار می‌کنند. رابطه با خدا در همه فرهنگ‌ها تنها رابطه‌ای است که میان عظمت و محبت پیوند برقرار می‌کند. همه انسانها در همه فرهنگ‌ها خداوند را متناسب با ظرفیت خود، عظیم‌ترین، برترین و متعالی‌ترین وجود می‌دانند. و در همین حال همه او را با لفظ و ضمیر تو خطاب می‌کنند و هیچکس او را شما نمی‌خواند. این صمیمت گذشته از بحث وحدانیت، نشانگر رابطه فطری عمیق میان انسان و خداست.

و محبوب‌ها و مزادهای شیعه از آنجا که بیشترین و نزدیک‌ترین نمونه را با خداوند با صمیمانه‌ترین و عاطفی‌ترین شکل مورد خطاب و مدح و ستایش قرار می‌گیرند.

چهارم - خالصانه‌ترین است

شاعران غالب در زمان گذشته سرسپرده‌های زور و زر و سخن در دربار سلاطین در مدح شاهان جنایتکار و وزرای خیانت پیشه شعر می‌سرودند، و بیشتر انگیزه صله، جاه، و منصب حقوق مستمری و عنوان فلان الشعرائی و... داشت و کمتر از اعتقاد و اخلاص به گفته‌های خود سرچشمه می‌گرفت، اما شاعر شیعی با خلوص محض و ارادت عمیق و

باورهای خود در وصف ذوات مقدسه معصومین (علیهم السلام)، ستایشگری می‌کند. جابر بن یزید جعفی نقل می‌کند که کمیت در محضر امام باقر (علیه السلام) شرفیاب شد و با اجازه قصیده‌ای در مدح آن بزرگوار قرائت کرد. حضرت دستور داد کیسه‌ای پر از اشرفی در مقابل به او صله دهند، پس کمیت دومین قصیده خود را خواند و امام مجدد بدره بی از زر به او بخشید. کمیت به ذوق حضور اما قصاید پی در پی در مدح خاندان حق خواند و هر بار بدره بی زر برابر او گذاشتند و حتی خداحافظی بی اعتنا به بدره‌های زر بودند، امام فرمودند کیسه‌ای زر را با خود ببر. کمیت عرضه داشت که جعلت فداک و الله ما احبکم لغرض الدنيا ما اردت بذلك الاصله رسول الله و اما اوجب اله علی من الحق؛ فدای شما به خدا سوگند دوستی من به شما خاندان به خاطر اغراض دنیایی نیست و هدف از سرودن این قصاید جز نزدیکی و ارتباط با پیامبر و ادای وظیفه و حقی که خداوند بر ما نسبت به شما واجب کرده نمی‌باشد. «و حضرت او را دعا کردند.»

پنجم - حماسی‌ترین است

اوج ادبیات شیعی و ائینی ادبیات عاشورایی و کربلایی است و اساس فلسفه‌ی کلام قیام کربلا، حفظ عزت و آزادگی انسان و نرفتن زیر بار خفت و ذلت و خواری است و اگر حقیقت جوئی و عزت طلبی در ادبیات جهات همچون رگه‌های طلا در میان ذغال سنگ است.

ادبیات شیعی، اس و اساس ادبیات شیعی بر این معنا و مناسبت، آنچنان که لقب یکی از برجسته‌ترین معیارها و ملاک‌های تشخیص در وادی ادبیات شیعه عزتمند بودن است، هر شعر و نثر و هنری که رگه از ذلت و خواری در آن باشد بی تردید از دایره ادبیات شیعی بیرون است. ادبیاتی که زینب (س) شکوهمندترین بانوی تاریخ را خوار و خفیف و ستمکش ترسیم کند و دست امام حسین (علیه السلام) اسطوره حقیقی عزت و مناعت و آزادگی را برای جرعه آب به سوی دشمنش دراز کند، قطعاً فاقد جوهره ادبیات تشیع است. شاعر شیعی به درستی می‌عموم این ستوده‌ها یا کاملاً ابعاد مادی و خاکی دارند و یا به زیبایی‌های زمینی ستایش می‌شوند یا به نوعی در مناسبت زمینی و این جهانی، تعاریف خود را پیدا می‌کنند.

اما در این گونه ادبی محبوب‌ها به دلیل آسمانی بودن، تحسین می‌گردند و تقدیس می‌شوند و هر اندازه که جایگاه و منزلت و قرب بیشتری به آستان ربوبی داشته باشند بیشتر مورد ستایش قرار می‌گیرند.

در پایان یاد آور می‌شود، اشعار مذهبی، باید همین برخورداری از انیگزه عمیق و غنی اعتقادی باید از جوهره شعری و صور خیال و ابعاد هنری هم بی بهره نباشد. و در هر فرم گاهی محتوا دچار مشکل نشود که این دو همسنگ و همسوی باشند.

شاعر شیعی نباید از حیطه تحقیق و استناد پای بیرون نهد و شعر خود را سرشار از بداعت و نوآوری ساخته آنچنانکه گویی هر حادثه‌ای که بر زبان جاری شده پیش از آن در عرصه ادب سابقه نداشته. به زبان دیگری، نوآوری، مضمون‌پردازی و ابداع در بحر شعر موج بزند. عنایت پیامبر و بانوی دو عالم و ائمه هدی (علیهم السلام) بر شاعران و مدیحه سرایان و مرثیه سرایان شیعی.

قاسم رضایی

اخلاق مداحی (۱): حفظ حرمت

تشیع آیین محبت است و مداحان که پیوسته مناقب اهل بیت (علیهم السلام) را متذکر می‌شوند، نقش بسزایی در ایجاد محبت دارند. باید توجه داشت که محبت باید تناسبی با محبوب به وجود آورد و هر چه این تناسب بیشتر باشد قرب و نزدیکی به ایشان نیز فزونی می‌باشد. من احب شیئاً فاکثر ذکره. از این رو مداحان وظیفه دارند چنان رفتاری داشته باشند تا شایستگی انتساب به خاندان عصمت و طهارت را کسب کنند. کونوالنازینا و لاتکونوا علینا شینا شما شیعیان موجب زینت و افتخار باشید و موجب ننگ و عار نباشید.

مرحوم محدث نوری (ره)، پیرامون اخلاق مداحی پنج مورد را ذکر می‌کنند؛

(۱) در تقوا و طهارت به مرتبه‌ای برسد که از ارواح معصومین شرمند نباشد.

(۲) طریق عبادت و طاعت به قانون اهل بیت را مراعت کند.

(۳) مدح را به خاطر غرض و جزای دنیوی نخواند بلکه به جهت کسب رضای خدا و طلب ثواب آخرت مداحی کند.

(۴) دین خود را به دنیا نفروشد و دنیار اهم بر حسنات و نعمات آن سرای ترجیح ندهد.

(۵) در مدح به گونه‌ای غلو نکند که به کفر انجامد تا از آن جماعت نباشد که حضرت امیر (علیه السلام) در حق ایشان فرمودند: هلك فی اثنان محب قال و میغض غال؛ دو گروه درباره من هلاک شدند دوستدار زبانی و غلو کنندگان میغوض. باتوجه به توصیه‌های بزرگان دینی در خصوص اخلاق و رفتار مداحان، در این نوشتار چند نکته از باب فذکران الذکر تنفع المؤمنین بیان می‌شود.

۱ - احترام به مردم و مستمعین

یکی از راه‌های تالیف قلوب مومنین و سوق دادن آن‌ها به سوی معارف مکتب اهل بیت (علیهم السلام) احترام به همه مردم است زیرا بسیار دیده شده با يك بی حرمتی به مستمع، نابه هنجاری‌های فراوانی را موجب شده است. متأسفانه برخی از مداحان در این مورد دقت کافی ندارند و با گفتن برخی از عبارات مانند هر کس اشك نمی‌ریزد، چشم او چشم منافق است، اگر نمی‌توانی سینه بزنی توی مجلس نیا و یا اگر کسی اشك نریزد باید در نطفه او شك کرد! نه تنها باعث جذب نمی‌شوند بلکه موجب دفع مردم می‌شوند در حالی که در روایات ما آمده حرمت مومنین از حرمت کعبه بیشتر است.

۲ - انصاف در نقل مطالب در توسل و روضه

منظور از انصاف در نقل روضه نقل مطالب و مصائب و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) خودداری از افراط و تفریط می‌باشد یعنی عدم ورود به غلو که شدیداً مورد نکوهش حضرات معصومین (علیهم السلام) است و تفریط همان گفتارهای دون شان محمد و آل محمد (علیهم السلام) است. به عبارت دیگر نه آنان را در حد الوهیت که خاص پروردگار است بالا برده و نه آن قدر تنزل داده شوند که با موجودات دیگر تشبیه و تمثیل شوند. باید دقت کرد که اعتقادات مومنین راجع به اهل بیت (علیهم السلام) به شك و شبهه دچار نشود. امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا در آخرین وداع فرموده‌اند: ای اهل بیت من! پس شکوه مکنید و چیزی بر زبان جاری نکنید که ارزش شما را بکاهد و در شان شما نباشد. انصاف در نقل مطالب را می‌توان در عناوین ذیل نیز بررسی کرد:

- ۱ - پرهیز از ورود به جریان‌های سیاسی و پرهیز از رد و یا تایید حزب یا گروه سیاسی. زیرا در جلسات امام حسین (علیه السلام) از تمامی سلاقی سیاسی حضور دارند و این کار باعث رنجش طرفداران يك طیف سیاسی دیگر می‌شود. مداحان می‌توانند با شعرهای پند آموز، اخلاقی و مناقب، مردم را به اهل بیت (علیهم السلام) نزدیک کنند تا خودشان راه را تشخیص بدهند و به مصداق آیه شریفه انا هدیناه

السبيل اما شاكرا و اما كفورا باشند. توجه به اين نکته لازم است؛ جاىگاهى كه مداح در آن قرار گرفته است، آنچنان مقدس و عزيز است كه مافوق جرايانات و حروف و حديث‌هاى سياسى روز و خدايى نكرده سياسى بازى باشد و وظيفه اصلى معرفى تمام و كمال زوايائى زندگى نورانى اهل بيت (عليهم السلام) مى‌باشد بطورى كه معيار و ميزان را به مستمع بدهد كه اگر اين اصل محقق گردد، سطح فكرى مردم بالا رفته و نتيجه مطلوب حاصل مى‌گردد و خود مصداق اصيل را مى‌يابند چرا كه اهل بيت (عليهم السلام) ساسه العباد بوده و حقيقت ديانت و سياست متبلور از وجود نورانى ايشان مى‌باشد.

۲ - پرهيز از تحليل‌هاى غلط و توهين‌آميز

۳ - رعايت ادب در گفتار

۴ - پرهيز از مواضع تهمت

۵ - بايد در نظر داشت جاىگاهى كه در اختيار مادحين قرار دارد، بسيار مقدس است از اين رو مجاز نيستند كه هر چه اراده مى‌كنند به زبان آورند. اگر چنين باشد جبران آن بسيار سخت و دشوار و بعضا غير ممكن است بلكه مى‌بايست با كلان نگري و جامع بيني و در نظر گرفتن مصالح مستمع و جامعه به ذكر و مداحي پرداخت.

۳ - احترام و روابط نزديك با مراجع ديني و علماى رباني

داروى تربيت از پير طريقت بستان	كادمى را بتر از علت نادانى نيست
عابد و زاهد و صوفى همه طفلان رهند	مرد اگر هست به جز عالم ربانى نيست

الف) افضل و اشرف از تمام طاعات و عبادات سه عمل است:

اول طلب علم و موفق است؛ زيرا كه قوام و صحت هر عبادت منوط بر علم است. بلكه هر عملى كه انسان مى‌خواهد به جا بياورد اگر از راه علم وارد نشود آن عمل باطل و ضايع و خراب مى‌شود به خصوص مسائلى كه مربوط به اهل بيت (عليهم السلام) است. حضرت امير المؤمنين (عليه السلام) مى‌فرمايند: كسى كه بى علم عمل كند مثل كسى است كه راه كجى را بگيرد و برود. پس هر چه بيشتر قدم بر مى‌دارد از حاجت و مقصودش دور مى‌شود.

ترسم نرسى به كعبه‌اى اعرابى	اين ره كه تو مى‌روى به تركستان است
طى اين مرحله بى همرهى خضر مكن	ظلمات است بترس از خطر گمراهى

هر كسى بدون كسب علم در مسئله‌اى ورود پيدا كند طبق فرمايش امير المؤمنين (عليه السلام) به بيراهه خواهد رفت. سخنورى و خطابه، بيان احكام شرعى، ورود به شبهات دينى و مذهبى همه و همه نياز به كسب علم دارد. توجه شود كه اين مسئله چنان مهم است كه حتى برخى روحانيون عالم و باسواد به سختى وارد اين عرصه مى‌شوند. از اين رو اخير حضرت آيت الله مكارم شيرازى دار المبلغين را تاسيس كرده‌اند تا طلبه‌ها پس از تحصيل در سطح و يا بالاتر به اين مدرسه بروند و درس تبليغ را بياموزند.

شايبه است مداحان عزيز در مقوله نصايح به صورت كلامى و سخنرانى وارد نشوند، بلكه در قالب اشعار پرمحتوا با مضامين اخلاقى مثل: عنان نفس كشيدن جهاد مردان است، نفس شمرده زدن ذكر اهل عرفان است، به پند نصايح و

سایر امور به اداره مجلس بپردازند و در این مورد حتماً با یکی از مراجع تقلید یا حتی المقدور یکی از روحانیون برجسته استان یا شهر یا محله که الحمد لله فراوان داریم، مشورت کرده و نظر خواهی نمایند.

ب) در کتاب خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی آورده شده است یکی از برنامه‌های استعمار برای از بین بردن اسلام، برهم زدن رابطه دوستی مردم با علما و مراجع دینی است و در بخش دیگر یکی از مشکلات استعمار را دل بستگی و علاقه شدید مردم به عالمان دین بر بنیان عقیده و ایمان می‌داند و می‌گوید باید تلاش کنیم اساس هر گونه رابطه مردم با علمای دین و اساس هر گونه جماعتی را با زدن اتهاماتی به علما و مراجع و ائمه جمعه و جماعات خدشه دار کنیم و از استقبال و احترام مردم به این جامعه بکاهیم. مخصوصاً لازم است افرادی را اجیر کنیم تا با اشاعه اتهامات سبب سوءظن و دشمنی مردم با آنها و شکسته شدن آنها شود. آنچه باعث رونق مداحی و مرثیه سرایی اهل بیت شده تچه ویژه امام (ره) و مقام معظم رهبری است و مراجع تقلید در زمان ما هم این ارزش را چند برابر کرده است.

توجه حکومت به نقش مداحان در کشور و احترام و تکریم آنها در محافل عمومی همه و همه بیانگر اوج عظمت مداحان در پرتو سایه مراجع دینی و علما و مردم علاقمند به ساحت مقدس اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد. پس به عنوان يك مداح می‌بایست ضمن رعایت احترام به مراجع و مردم را تقویت کنیم. نه اینکه به عنوان آتش بیار معرکه، آب در آسیب دشمن بریزیم و این عملی نخواهد شد مگر اینکه خودمان را بشکنیم و تواضع کنیم. در این باره رعایت موارد ذیل مناسب به نظر می‌رسد:

الف: دیدار مستمر و کسب فیض به صورت ماهانه، فصلی و یا حتی المقدور سالی یکبار از مراجع تقلید.

ب: حضور در پای مجالس خطبا و وعظ همان طوری که آقایان در پای منبر مداح می‌نشینند.

ج: خراب نکردن زمینه روضه واعظ با مقدمه چینی‌های بی جا.

د: تعارف هنگام ختم جلسه برای دعا کردن به روحانی حاضر در مجلس

۵) ارتباط صمیمانه با روحانی مسجد محل، هیات و...

۶) اذن گرفتن برای جلوس بر روی منبر هنگامی که روحانی برجسته در محفل حضور دارد.

اخلاق مداحی (۲): انتقاد پذیری

۱ - روحیه خدمتگزاری به مردم: ما خود را منتسب به اهل بیت (علیهم السلام) می‌دانیم و همه این شعر را با اشتیاق می‌خوانیم.

شدم از خردسالی بی اراده	ارادتمند بر این خانواده
در این جا انتسابم با حسین است	به فردا هم حسابم با حسین است

اگر زندگی اهل بیت (علیهم السلام) را مطالعه نماییم، با يك نگاه کلی در می‌یابیم که سراسر زندگی آنها در طاعت خالق خدمت به خلق بود. چه زیبا سرود شاعر خراسانی مرحوم ثابت:

این شنیدستم که آن گلدسته باغ عفاف	جامه نو را به سائل می‌دهد شام زفاف
این عمل ثانی ندارد در جهان بی اختلاف	جز علی که داد شمشیرش به دشمن در مصاف

بزرگان دین ما هم همین طور بودند. پیش کسوتان جامعه مداحی در قدیم الایام میان دار خدمت رسانی به مردم بوده‌اند. هنرمندان، ورزشکاران و سایر اصناف در هر حادثه‌ای گردهم می‌آیند و آستین خدمت به مردم را بالا می‌زنند، اما اثری از جامعه مداحان یا نیست یا کم رنگ است. در صورتی که مادحین عزیز در این مسیر با بهره‌گیری از هنر مقدس مداحی و کلامی می‌توانند بهترین یار مردم در مشکلات باشند.

مرحوم کافی (ره) چندین مهدیه ساخت، چند باب منزل برای افراد بی بضاعت احداث کرد و صدها جهیزیه برای نوجویان تهیه کرد. اگر مداحان مشهور اهل بیت (علیهم السلام) درصدی از در آمد خود را جمع کنند و يك کانون داشته باشند می‌توان صدهایی بضاعت را سامان داد. ما می‌گوییم امام حسن (علیه السلام) چندین بار زندگی خود را خرج فقرا کرد.

۲ - روحیه انتقاد پذیری: عدم پذیرش انتقاد در جامعه مداحان يك معضل است. حتی برخی از مداحان جوان از جواب دادن به برخی علمای دلسوز هم خودداری می‌کنند. یکی از علمای بنام که علاقه زیادی به مداحان دارد و اگر متوجه حضور يك مداح در پای منبر شود حتی روضه نمی‌خواند و مجلس را به مدح واگذار می‌کند، نقل می‌کرد: يك مداح جوانی مقتلی را خواند، بنده سوال کردم سند مقتل کجاست؟ شروع کرد به هتاک و جوسازی که شما علما به مداحان حسادت دارید! چون مردم شما را تحویل نمی‌گیرند شما عقده‌ای هستید... . البته ما قبول داریم که برخی روحانیون جوان هم در انتقاد کردن افراط می‌کنند، اما به هر صورت مداح باید حلیم و صبور باشد و باسعه صدر با روضه برخورد کند.

۳ - پرهیز از ورود به تحریفات: تحریف سه قسم است؛ تحریف لفظی، تحریف معنوی و تحریف لحنی. تحریف لفظی، آوردن مطلبی است که اصلاً دروغ است و وجود نداشته است. مثل عروسی قاسم در کربلا یا عبارتی را کم یا زیاد کنند. تحریف معنوی، گوینده مطلبی را طوری بیان کن که مقصود قائل آن را عوض کند. اما تحریف لحنی، که متأسفانه بسیار زیاد هم شده است، این است که به بهانه هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو هر سبکی را در مداحی بکار ببریم.

مقام معظم رهبری فرمودند: «فلان خواننده طاغوتی یا غیر طاغوتی شعر عشقی را با آهنگی خوانده، حالا بیایم در مجلس امام حسین (علیه السلام) و برای عشاق آن امام همام آیات والای معرفت را در این آهنگ بریزیم و بنا کنیم آن را خواندن، این خیلی بد است.» ۸۴/۵/۵ دیدار با مداحان»

هیچ کس مخالف سبک و نوآوری نمی‌باشد. اما سبک زمانی پذیرفته است که روح، فکر، عقل و باور را به حرکت در آورد، نه بدن را. سبک در مداحی بویژه در نوحه‌ها باید محزون باشد. صرف اینکه چند نفر از این سبک خوششان می‌آید بخوانیم این بی انصافی است. باید سبکی بخوانیم که مورد تایید امام عصر (عج) باشد.

۴ - مداح باید قبل از مداح بودن حامد باشد: ثابت‌اند ممدوح نمایی کند، در غیر این صورت خودنمایی می‌شود و مداح نمائی. اگر مداحان اهل خلوت با خدای خود باشد و اهل تهجد و اهل قرآن و نماز اول وقت باشند، آن وقت می‌شوند تابلوی معرفت به آل الله و تابلوی خداشناسی، امام‌شناسی و می‌شوند محور محبت به آل محمد (صلی الله علیه و آله) برای رسیدن به این مقام حتماً باید دست در دست يك استاد داشته باشند.

شهید مطهری (ره) می‌فرماید: «شخصی به من گفت بیایید به کلاس نهج البلاغه برویم اول نپذیرفتم، گفتم من نهج البلاغه را بلد هستم. ولی بعد نظرم عوض شد رفتم کلاس يك استاد نهج البلاغه. تازه متوجه شدم که نهج البلاغه یعنی چه. بعد از آن سیری در نهج البلاغه را نوشتم».

جناب حسان شاعر با اخلاص اهل بیت می‌گوید: تمام اشعارم را پس از تایید مرحوم علامه شهیر امینی (ره) می‌خواندم. از این آثار شعری جناب حسان يك جلوه خاصی دارد.

مخصوصاً مداحان جوان و نوجوان حتماً باید دستشان در دست يك استاد و پیش کسوت باشد و مداحان بزرگ هم حتماً با يك عالم ربانی دست در دست باشند.

پس قنبر در خانه علی شدن کار آسانی نیست، اینطور نیست که سلمان منا اهل البیت کار آسانی باشد، لذا باید با عمل در این زمینه هم سعی و تلاش زیادی انجام شود.

۵ - زمان‌شناسی و مردم‌شناسی: یکی دیگر از مهم‌ترین جهات در مداحی موقعیت و زمان‌شناسی است: زمان‌ها متفاوتند مثل زمان طبیعی، زمان تاریخی، زمان اجتماعی و هر يك مقتضیاتی دارند که در روایات هم به آنها اشاره شده‌است. زمان طبیعی همان تحولات و حوادث و دگرگونی‌ها و قوانین طبیعی و مقدرات تکوین است که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «برای افراد عاقل در حالی که هستند شایسته نیست سه چیز را از یاد ببرند که یکی از آنها آفات و بلایایی طبیعی است».

مداح باید زمان رویدادهای تاریخ اسلامی و شیعه و اهل سنت را بداند تا در این زمان مردم را نسبت به وقایع آن آگاه کند و بیان واقعی تاریخی همان روز که واقع شده تأثیر فراوان و مستقیم دارد.

۶ - مردم‌شناسی: مداح با توجه به شناخت و اطلاع از افکار و عقاید و حالات هر جمعی مداحی می‌کند و این شناخت در هر زمانی با زمان دیگر متفاوت است زیرا مردم متفاوتند. امام حسین (علیه السلام) فرمودند: «عاقل کسی است که بداند مردم از او چه توقعی دارند.» اعتقاد بزرگان این است، مداح باید عالم به زمان باشد. شاعر خوب کسی است که عالم باشد. چهل مبلغین و سادگی و کم سوادگی یا بی سوادگی آنها وقتی به چهل مداح و مستمعین آمیخته می‌شود، اهل بیت و معارف آنان در همان غربت خواهند بود باید با فرهنگ مردم هر شهر آشنا بود بعنوان مثال در فلان شهر در آوردن لباس را برای سینه زنی مناسب نمی‌دانند یا در شهری کف زدن را عملی لئو می‌دانند، لذا باید به فرهنگ‌ها و رسوم مردم در صورتی که خلاف شرع نباشد احترام گذاشت.»

۷ - آشنایی با قواعد و تسلط بر قرائت قرآن: بسیار مشاهده می‌شود که برخی از مداحان قرآن کریم را حتی از رو به زحمت می‌خوانند. هزاران بیت شعر را حفظ می‌کنند ولی در زمینه روخوانی قرآن مشکل دارند. مداحان باید دوره کامل روخوانی و روانخوانی و حتی تفسیر قرآن را بیاموزند، تا خدای ناکرده قرآن خواندن مداحان در مجالس ختم و سایر مجالس نقل تفریح عده‌ای نشود. برخی آنقدر که به مداحی و شعر و مرثیه و آداب شعری و آرایه‌های شعر اهمیت می‌دهند که البته نیاز است، به ادب و رعایت شئونات قرائت قرآن کریم خصوصاً در مجالس ترحیم توجه ندارند و بدون توجه به این موضوع فقط قرآن می‌خوانند. هر مداح و شاعری لازم است که بیشتر از شعر و مرثیه به قرآن اهمیت بدهد و فراگرفتن قرآن را در اولویت قرار دهد و آیات قرآن را با قواعد مربوطه بخواند و قرآن را بهتر و بیشتر از شعر، حفظ باشد. البته محافل قرآن هم از ذکر اهل بیت نباید خالی باشند. قرآن و عترت در کنار هم ارزش دارد و هر کدام مکمل دیگری است و این دو امانت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را باید با هم داشت.

اخلاق مداحی (۳): خودداری از افراط

مداحان اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) سرمایه عظیمی در دست دارند که باید در حفظ آن کوشا باشند. مداح می‌تواند احساسات عاشورائی را بسیج کند و اهداف امام حسین (علیه السلام) و سایر ائمه (علیهم السلام) را در قالب اشعار در دل‌های مردم به ویژه جوانان جای دهد. به همین علت خود ائمه فرموده‌اند: لک بیت، بیت فی الجنة. اما این سرمایه ممکن است دچار آفاتی شود و یا به عبارتی باید با آداب و اخلاقی همراه باشد که در مباحث سلسله‌ای بر آن هستیم تا از باب تذکر به آن بپردازیم. در شماره قبل به مواردی همچون انتقادپذیری، روحیه خدمتگزاری به مردم، پرهیز از تحریفات، زمان‌شناسی و مردم‌شناسی، آشنایی با قواعد و تسلط بر تلاوت قرآن اشاره نموده‌ایم. امیدواریم مورد توجه به علاقه سروران عزیز مداح قرار بگیرد.

- پرهیز از غلو (افراط)

بدوا باید معنی غلو را مشخص کنیم. (غلو، غلواء، مغالاه یعنی افراط، زیاده روی، اغراق، گزافه گویی). در حدیثی معروف داریم ای‌کرم و الغلو فی الدین؛ بر شما باشد که از حدود اوامر حق تجاوز نکنید. بعضی می‌گویند بحث از باطن هر چیز ننمایید و کاشف از علت و مشکلات آن نباشید. در قرآن هم می‌فرماید: یا اهل الکتاب لا تغلوا فی دینکم؛ ای اهل کتاب از حدود آنچه خدا نازل کرده و در کتب خود بیان داشته تجاوز نکنید و از حد مگذرید (مائده/۷۵).

و یا حامل القرآن غیر الغالی فیه و لا الحاقی عنه و یا در حدیث داریم خیر الامور اوسطها حامل قرآن کسی است که از حد آن تجاوز نکند و چیزی از آن را فروگذار ننماید بلکه رعایت اعتدال را بنماید.

امام صادق (علیه السلام) همانند اجداد طاهرینش به شدت در برابر اغراق و غلو ایستادگی می‌کرد. در طی سالها تلاش از زمان امام علی (علیه السلام) تا امام باقر (علیه السلام) محبوبیتی برای اهل بیت (علیهم السلام) پدید آمده و نفوذ شیعه در عراق و برخی از نقاط دیگر تعمیق یافته بود. اینک غلو کنندگان می‌کوشند تا با رخنه درون شیعه آن را از داخل متلاشی کرده و چهره خارجی آن را خراب کنند. به طوری که یکی از خوارج شیعه را متهم کرده بود که آنها گمان کرده‌اند به جهت دوستی اهل بیت (علیهم السلام) مستغنی از انجام اعمال صالح بوده واز عذاب به خاطر اعمال بدشان نجات می‌یابند.

به هر صورت امام صادق (علیه السلام) مغز متفکر شیعه و بنیانگذار مذهب حقه جعفری است که عموم شیعیان به آن دلبستگی خاص دارند. آن حضرت (علیه السلام) غلات را سد کنندگان راه خدا دانسته و برای تهذیب شیعه و حرکت در جهت نفی غلو و دور کردن شیعیان از جریان علو اقداماتی را از قبیل: دور کردن شیعیان اصیل از غالیان منحرف امام (علیه السلام) به مفضل فرمودند: یا مفضل لا تقاعدوهم و لا تواکلوهم و لا شاربوهم و لا تصافحوهم؛ ای مفضل! با غلات نشست و برخاست نکنید، با آنان هم غذا نباشید و همراهشان چیزی ننوشید و با آنان مصافحه نکنید (۱) در روایت دیگری امام (علیه السلام) غلات را ملعون خطاب کرده و فرمودند: من و پدرام از آنها بیزاریم (۲).

به ویژه به جوانان شیعه حساسیت زیاده‌تری داشته و می‌فرمودند: احذر و علی شبابکم الغلاه لا یسفیدونهم، فان الغداه شر خلق الله، یصغرون عظمه الله و یدعون الربوبیه لعباد الله؛ درباره جوانان خویش از این که غلاه آنان را فساد کنند بترسید. غلاه برترین دشمنان خدا هستند، عظمت خدا را کوچک کرده و برای بندگان خداوند ادعای ربوبیت می‌کنند (۳). از جمیع اقوال حضرت صادق (علیه السلام) اینگونه استنباط می‌شود که حضرت حتی بدهت گذاران را هم در ردیف غلات می‌بیند و می‌فرماید: از همنشین با اهل بدعت پرهیز کن، زیرا باعث رشد و نمو کفر و گمراهی آشکار در قلب می‌شود (۴).

سدیر صیرفی نزد امام (علیه السلام) آمد و عرض کرد: جانم به فدای تو، شیعیان درباره شما اختلاف کرده‌اند. بعضی اظهار می‌کنند که در گوش سخن گفته می‌شود، برخی گویند به شما وحی می‌شود، بعضی می‌گویند به قلب شما الهام می‌شود، بعضی می‌گویند به قلب شما الهام می‌شود. برخی می‌گویند به کتب آباء، خویش فتوا می‌دهید. کدام یک را باید قبول کرد؟

امام (علیه السلام) فرمودند: آنچه را گفته شده رها کن. ما حجت خداوند و امین او بر خلق او هستیم، حرام و حلال ما از کتاب خداوند است. عیسیٰ البحرانی گفت: نزد امام صادق (علیه السلام) رفتم و عرض کردم آیا آنچه راز این قوم (غلاة) شنیده‌ام بازگویم. امام فرمود: بگو. گفتم: دسته‌ای از اینان تو را عبادت می‌کند و تو را الهی جدا می‌دانند، دسته‌ای دیگر تو را در حد نبوت بالا می‌برند.

امام (علیه السلام) آنقدر گریه کرد که محاسنش از قطرات اشک پر شد. آنگاه فرمود: اگر خداوند مرا بر آنان مسلط کند و خون آنان را نیزم خداوند خون فرزندم را به دستم بریزد، یعنی غلاة از نظر امام (علیه السلام) واجب القتل هستند (۵). به لحاظ اهمیت بحث مجبور شده‌ایم موضوع را بیشتر بررسی کنیم تا دوستان مداح و شاعر این مسئله را مورد توجه قرار دهند. حال که موضوع غلاة روشن شده است به برخی از غلاة در مدایح و مراثی اهل بیت (علیهم السلام) که اخیراً رایج شده اشاره می‌کنیم.

(۱) استفاده از عبارات شرك آمیز و كفر آلود مثل "لا الا فاطمه الزهرا، من حسين اللهم، من على اللهم". حضرات مراجع فرمودند: اگر کسی بداند که چه می‌گوید استکانی را که در آن چای می‌خورد باید آب کشید.

حساب از من چه می‌پرسی، حسابم با حسین است، جوابم با حسین است. هر سوالی از من

شود می‌گویم حسین، من ربك حسين، من دينك حسين، من كتابك حسين، من نبيك حسين.

تمام این کلمات در ردیف شرك و غلو محسوب می‌شود. در صورتیکه خود امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا می‌فرماید: الهی رضا برضائك و تسليماً لامرك لا معبودلی سواك یا غیاث المستغیثین.

یکی از مصادیق غلاة چراغ سبز به گناه نشان دادن است. احدی منکر ان الحسنات يذهبن السيئات نمی‌باشد. هیچ کسی نسبت به ارزش اشك و گریه بر امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) تردیدی ندارد. اما همه این ارزشها نباید بهانه‌ای برای نشان دادن چراغ سبز بگناه مردم باشد. حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی می‌فرماید: نباید در مجالس عزاداری گفته شود که در طول سال هر گناهی که می‌خواهید انجام دهید اما در ماه محرم که عزاداری می‌کنید گناهانتان شسته می‌شود. امام حسین (علیه السلام) برای مکتب و مذهب شهید شد لذا در مجالس حسینی باید مذهب را تقویت کرد. جریان حاجب کاشانی و شعرا و او که "حاجت اگر محاسبه حشر با علی است من ضامنم تو هر چه که خواهی گناه کن" حضرت (علیه السلام) را در خواب دید که به او فرمود: "تو مداح و شاعر خوبی هستی ولی این شعرت خود نبود." وقتی پرسیدم چه بگویم، امام (علیه السلام) فرمود: "بگو حاجت یقین محاسبه حشر با علی (علیه السلام) است شرم از رخ علی (علیه السلام) کن و کمتر گناه کن".

ببینید فرق این دو تفکر چقدر است.

عده‌ای برای ملاقات با علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می‌آمدند بیش از شصت مرحله آمدند، ولی امام (علیه السلام) آنها را به حضور نپذیرفتند و آخرین مرحله با اصرار شرفیاب شدند. امام رضا (علیه السلام) فرموده‌اند: ادعای گزافی کرده‌اید، گفتید شیعه شما هستیم. حقا با این عنوان خیلی فاصله دارید. شیعه نشانه‌هایی دارد. گفتند ما محب شما هستیم. فرمودند: حال قبول است. بین شیعه و محب خیلی تفاوت‌ها وجود دارد. لذا مداحان، گویندگان و وعاظ وظیفه دارند مردم را به سمت و سویی سوق دهند که مورد نظر اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و همان شیعه بودن است.

اخلاق مداحی (۴): پرهیز از دروغ

پرهیز از دروغ در مداحی

در قرآن کریم دروغگویان مورد لعن خدا واقع شده‌اند. دروغ از معاصی کبیره است. برخی از علمای علم اخلاق دروغ را سرمنشا خیلی از گناهان می‌دانند.

شهید بزرگوار دستغیب در کتاب گناهان کبیره آورده است؛ رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: مؤمن اگر بدون عذر دروغ بگوید، هفتاد هزار ملك او را لعنت می‌کنند و بوی گندی از قلبش بیرون می‌آید تا به عرش برسد و خداوند به سبب این دروغ، گناه هفتاد زنا را برای او می‌نویسد (۶).

قرآن کریم در سوره نور (۷) می‌فرماید: ان لعنته الله عليه ان كان من الكاذبين، دروغگو مورد خشم و غضب خداست. محتمل است این عقوبت برای دروغی باشد که ضرر و مفسده‌اش بیش از ضرر و مفسده زنا است. چنان که بعضی از دروغ‌ها است که سبب برافروخته شدن آتش فتنه و از بین رفتن اموال و اعراض بلکه ریختن خونها می‌گردد و یا این که مراد دروغ بر خدا و رسول ائمه طاهرين (علیهم السلام) باشد که اشد مراتب کذب است.

دروغ بستن به خدا و ائمه اطهار (علیهم السلام) باعث ابطال روزه می‌شود. محدثین می‌گویند: دروغ همانطور که روزه را باطل می‌کند، باعث حبط اعمال صالحه می‌شود. در قرآن کریم چند جا کلمه ویل دارم ویل یومئذ المکذبین، ویل للمصلین و ویل للمطففین ولی يك آیه دیگر نیز آمده خیلی مهم است.

فویل للذین یکتبون الکتاب بایديهم، فویل لهم مما کتبت ایديهم و ویل لهم مما یکسبون (۸)؛ وای بر آن کسانی که از پیش خود چیزی نوشته و می‌گویند: وای بر آنهایی که از نوشته مجهول چیزی بدست می‌آورند و وای بر نوشته‌هایشان.

به دو مورد از روضه‌های دروغ که برخی خوانده‌اند توجه بفرمایید.

مداحی نقل می‌کرد: امیر المؤمنین (علیه السلام) حضرت عباس (علیه السلام) را در سنین کودکی سوار بر اسب می‌کرد و اسب را رها می‌کرد، حضرت ابوالفضل (علیه السلام) از اسب به زمین افتاد. ام البنین (س) علت را سوال کرد. آقا امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: می‌خواهم فرزندم از الان افتادن از روی اسب را تجربه کند برای کرپلا. آیا هیچ انسان کوته فکری با فرزندش چنین رفتاری می‌کند که امیر المؤمنین (علیه السلام) مطهر عقلانیت و انسانیت چنین کند.

در جای دیگری مطرح شده: وقتی جعهده به امام حسن (علیه السلام) زهر داد، امام حسین (علیه السلام) به بالین برادر آمدند. حضرت عبد الله بن حسن (علیه السلام) به عمو عرض کرد: من می‌دانم چه کسی به پدرم زهر داد و حضرت قاسم (علیه السلام) اشاره کرد که چیزی نگو! حضرت عبد الله (علیه السلام) در کرپلا بنا به نقل مشهور و صحیح ۱۱ ساله بوده‌اند. امام حسین (علیه السلام) در سال ۵۰ هجری شهید شده‌اند. یعنی به طور قوی عبد الله (علیه السلام) هنوز يك سال هم نداشتند. چگونه طفل سخن می‌گوید. البته برخی‌ها برای توجیه دروغ می‌گویند در دستگاه اهل بیت (علیه السلام) همه چیز امکان‌پذیر است. بله این فقط در مورد امام معصوم (علیهم السلام) صدق می‌کند که آن هم در مورد امیر المؤمنین (علیه السلام) و امام عصر (عج) که به محض تولید قرآن خوانده‌اند یا امام حسین (علیه السلام) با حضرت زهرا (س) در رحم حرف می‌زد. امام موضوعات مذکور دروغ محض و ساختگی و باعث تشویش اذهان مردم علاقمه‌مند به اهل بیت (علیهم السلام) و سوء استفاده دشمنان تشیع می‌شود. الحمد لله این قدر معارف و مقاتل اهل بیت (علیهم السلام) گسترده‌است و داستان زندگانی سراسر نور ائمه هدی (علیهم السلام) و به ویژه امام حسین (علیه السلام) روشن و واضح است و مطالب ارزنده و آموزنده و مستند و معتبر و متقن زیاد است

که قرن‌ها همه مداحان و وعاظ و گویندگان مذهبی را بس است. برای توجه دوستان ذاکر و همه علاقه‌مندان به مکتب تشیع چند حدیث نقل می‌کنیم.

مردی از رسول خدا (صلی‌الله علیه‌وآله) سوال کرد: چه عملی سبب دخول در آتش می‌شود؟ پیامبر فرمود: دروغ زیرا دروغ سبب فجور، کفر؛ کفر سبب دخول در آتش است.

- عذاب ویژه دروغ‌گویان

۱ - رسول مکرم اسلام (صلی‌الله علیه‌وآله) می‌فرماید: شبی که به معراج رفتم دیدم مردی را که بر پشت خوابانیده شده و دیگری بر سرش ایستاده و در دستش عصایی از آهن که سرش گج باشد بود. پس بر يك طرفش می‌آمد و با آنچه در دستش بود، بر رویش می‌زد. و از طرف دهان تاقفایش را قطعه قطعه می‌کرد و همین کار را تکرار می‌کرد و هنوز از این طرف فارغ نشده، طرف دیگر را شروع می‌کرد. پرسیدم علت عذاب این شخص چیست؟ فرمودند: این مردی است که صبح از خانه‌اش بیرون می‌رود دروغی می‌گوید که زیانش به آفاق می‌رسد و با او تا روز قیامت چنین رفتاری می‌شود(۹).

۲ - امام باقر (علیه السلام) به ابو نعمان می‌فرماید: يك دروغ هم از قول ما مگو، زیرا که آن دروغ تو را از دین حنیف اسلام خارج می‌کند(۱۰).

یعنی به واسطه این دروغ که بر ما بستگی نور ایمان از دلت خارج می‌شود و اگر این قسم دروغ در حال روزه باشد در صورت تعمد موجب بطلان روزه هم می‌شود.

تذکر مهم

شهید دستغیب می‌فرماید: فرقی در حرمت دروغ نیست. بین این که دروغ را به زبان بگوید یا به قلم بنویسد یا به اشاره بفهماند و نیز فرقی نیست دروغی را که می‌گوید در کتابی دیده باشد و خودش نسبت دهد یا اختراع خودش باشد. لذا کسانی که در امر تبلیغ منبر و خطابه و مداحی را دنبال می‌کنند در معرض خطر بزرگی هستند. نکته آخر امیر المؤمنین (علیه السلام) به حارث همدانی می‌فرماید: "نقل مکن برای مردم هر چه را که شنیدی که همین بی‌مبالاتی در نقل کافی است در دروغ‌گویی(۱۱)".

اخلاق مداحی (۵): غلو؛ خواست دشمن

در طی سال‌های تلاش، از زمان امام علی (علیه السلام) تا امام باقر (علیه السلام) محبوبیتی برای اهل بیت پدید آمده بود و نفوذ تشیع در عراق و برخی از نقاط دیگر، تعمیق یافته بود. در آن زمان غلامی کوشیدند تا با رخنه در درون شیعه آن را از داخل متلاشی کرده و چهره خارجی آن را خراب کنند. جریان غلام از جهاتی برای تشیع خطرناک بود و از درون سبب ایجاد آشفتگی در عقاید شیعه شده و آن را منزوی می‌کرد، اینکه مروری بر اقدامات امام صادق (علیه السلام) در جهت طرد و نفی غلام در دیدگاه‌های آنها و نیز تکفیر این گروه خواهیم داشت.

اقدامات امام صادق (علیه السلام)

۱ - دور کردن شیعیان اصیل از غلام منحرف: بدیهی است وجود رابطه بین شیعیان خالص و ناب یا اینگونه افراد به لحاظ جذابیت موجود در این قشر می‌توانست شیعیان را به طرف غلو بکشاند، به ویژه که غلام به دروغ خود را از نزدیکان ائمه معرفی می‌کردند. وقتی با تکذیب امام مواجه می‌شدند، می‌گفتند که این تکذیب صرفاً از روی تقیه است. این امر در فریب شیعیان ساده دل موثر بود.

۲ - انکار عقاید غلام: امام (علیه السلام) برای نجات تشیع از این گروه کتاب خدا را میزان قرار می‌دادند و از شیعیان می‌خواست ادعای نادرست غلام را نپذیرند.

امام (علیه السلام) در پاسخ به یکی از صحابه که اظهار داشت شیعیان درباره شما اختلاف کرده‌اند؛ بعضی اظهار می‌کنند که در گوش شما سخن گفته می‌شود، بعضی می‌گویند به شما وحی می‌شود و بعضی می‌گویند به قلب شما الهام می‌شود، بعضی می‌گویند در خواب می‌بینید، بعضی می‌گویند به کتب و آراء آباء خویش فتوا می‌دهید. کدامیک را باید پذیرفت؟

امام فرمودند: لا تاخذ بشيء مما يقولون، نحن حجة الله و اماناء عليه خلقه حاللنا من كتاب الله و حرامنا منه؛ آنچه را که گفته شده رها کن، ما حجت خداوند و امین او بر خلق او هستیم، حرام و حلال ما از کتاب خداوند است (۱۲).

۳ - لعن امام (علیه السلام) به غلام: لبه تیز برخورد امام با غلام عقایدی بود که ضمن آنها، کوشش می‌شد تا جنبه‌ای از الوهیت به امامان نسبت داده شود که آن حضرت فرمود: لعنت خداوند بر کسی که چیزی در حق ما بگوید که ما خود نگفته‌ایم. لعنت خداوند بر کسی که ما را از عبودیت برای خدایی که ما را خلق کرده و بازگشت ما به سوی او و سرنوشت ما در ید قدرت اوست، جدا سازد (۱۳).

در روایت دیگری آمده که حضرت فرمودند: خداوند مفوضه (۱۴) را لعنت کند، آنها عصیان پروردگار را کوچک کردند تا از اجرای احکام الهی و ادای حقوق فرا کنند (۱۵).

با این برخورد پیام گونه امام صادق (علیه السلام) و حرکت صحیح سایر ائمه شیعیان اصیل از این انحراف‌هایی یافتند اما، متأسفانه اثرات نامطلوب آن در جلوگیری از رشد بیشتر شیعه باقی ماند. حتی در تاریخ دارد به خاطر وجود غلو ابو حنیفه به اصحابش دستور داد که حدیث غدیر را نقل کنند گر چه این عمل بسیار ناپسند است اما این عمل نشان می‌دهد که جریان غلو، چه ضرری حتی بر نقل صحیح‌ترین روایات فضایل امیر المؤمنین داشته است.

دشمنان مکتب و مذهب حقه تشیع از هر راهی در هر برهه‌ای به این دسیسه متوسل می‌شوند به طوری که همفر انگلیسی در خاطرات خود می‌گوید برای جلوگیری از نفوذ شیعه باید اقداماتی را انجام دهیم از جمله اینکه: تبلیغ عقاید

و مذاهب من در آوردی و ساختگی در مناطق اسلامی با برنامه ریزی آگاهانه و منظم به گونه‌ای که تبلیغ پس ارزیابی زمینه‌های مساعده فکری در افشار مردم صورت گیرد و خلاصه اینکه برای پیروان تشیع که علاقه زاید الوصفی به ائمه خود دارند، مذهب حسین الهی، پرستش علی بن ابی طالب و حضرت صادق (علیهم السلام)، مبالغه در شخصیت امام غائب و مهدی موعود مبالغه در شخصیت علی بن موسی الرضا (فرقه‌های مختلف علی الهی، صادق الهی) ترویج شود. مناسب‌ترین نقاط برای هر يك از این مذاهب در عراق و ایران به ویژه شهرهای پر جمعیت است. طبعاً نشر و تبلیغ این مذاهب جعلی نباید منحصر و محدود باشد. بلکه در میان فرقه اربعه تسنن نیز باید مذاهبی از این دست به ترتیبی که یاد شد انتشار یابد و اختلافات و منازعات شدیدی بین این فرقه‌ها برپاگردد. تا بدانجا که هر فرقه خود را مسلمان واقعی بداند (۱۶).

یکی از اثرات نامطلوب غلو به هدف رسیدن دشمنان قسم خورده اهل بیت (علیهم السلام) هستند که طبعاً هیچ يك از نوکران مخلص آل الله به این امر راضی نمی‌باشند و هوشیارانه با این پدیده مقابله می‌کنند. در جمع بندی این بحث مهم باید متذکر شد دشمن در محو کردن و از میان برداشتن هر چیزی که از ناحیه آن احساس خطر نموده منصرف نمی‌شود و اگر در طرحی ناموفق شد از راه‌های دیگر می‌کوشد موضوع یا محیط خیز را از میان بردارد. در میان عزاداری چون متوجه شد دو طرح تحریف و غلو کاربردی نداشته، زیرا هوشیاری پیشوایان دینی با تحلیل‌های همه فهم، توطئه حساب شده آنها را خنثی نمود. تنها راه باقی مانده، را در تزریق انواع آسیب‌های ممکن به پیکره عزاداری می‌داند.

آنچه در این برهه مهم است این است که بعضی اوقات آسیب‌ها به وسیله ارادتمندان به عزای حسینی به سلیقه‌ای که با ظاهر شرع هم منافاتی ندارد تزریق می‌شود و توسط همین نوع افراد ترویج می‌شوند. حضرت آیت الله وحید خراسانی می‌فرماید: کوچکترین کلمه که شعائر حسینی را سست کند کمر خاتم النبیین را می‌شکند.

در پایان باید اذعان کرد همه مادحین، شعرا و خطبا باید گوش به فرمان مرجعیت شیعی به ویژه مرجع عالیقدر رهبر عظیم الشان باشند که از همه مناظر به این موضوع احاطه دارند و فتوا و کلام ایشان فصل الخطاب است.

آداب مداحی (۶): دعا خوانی؛ جذاب و اثر گذار

دعا خوانی؛ جذاب‌ترین و اثر گذارترین برنامه مذهبی

بی شک دعا خوانی و زیارت خوانی و مناجات یکی از جذاب‌ترین، پرمحتواترین و اثر گذارترین برنامه‌های مذهبی به ویژه برنامه مداحان عزیز می‌باشد. ولی در این خصوص بسیار سلیقه‌ای عمل می‌شود. دعا و زیارت را به هر شکلی می‌خواهند قرائت می‌کنند، نه به طوری که بیان شده. یعنی آداب قرائت ادعیه و زیارت را مراعات نمی‌نمایند. قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): *الدعا سلاح المؤمن، عمود الدین و نور السموات و الارض؛ رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌فرمایند: دعا سلاح مؤمن است و ستون دین و روشنای آسمان و زمین است.*

آنچه در این مبحث لازم است بیان شود بررسی آداب قرائت دعا و زیارت است. بسیار دیده شده که برخی در مجالس مختلف، دعا و زیارت را به رعایت آداب و شئون و حدود و شعور آن می‌خوانند به همنی مناسبت دعا خوانان و زیارت خوانان و زیارت خوانان که عمده آنها را مداحان اهل بیت (علیه السلام) تشکیل می‌دهند لازم است آداب و نکاتی را رعایت کند که اهم آنها عبارتند از:

۱) حتما در مرحله اول يك دوره ادعیه و زیارات را هم از لحاظ روخوانی صحیح در جهت ادای الفاظ و عبارات تعلیم ببینند و در مفاهیم دعا تلاش کنند تا با تفسیر و فهم آن آشنا شوند. به نظر می‌رسد مداحان گرامی باید يك دوره صرف و نوح کامل را آموزش ببینند که هم در مداحی در احاطه بر مقاتل عربی و هم در ادعیه و زیارات بسیار موثر خواهد بود. زیرا زبان عربی به شکلی است اگر يك فتحه یا کسره یا ادای حروف مراعات نشود معانی آنها نیز تغییر می‌کند.

۲) مداحان جوان در جلسات دعا و زیارت خوانی مداحان پیش کسوت و مجرب و باسواد و اهل ذوق شرکت کنند واز محضر آنها بهره‌مند شوند. و اصولاً شیوه اجرای مراسم دعا و زیارت را به طور عملی بیاموزند.

۳) دعا نباید با حالت فریاد خوانده شود. بلکه باید همراه با تضرع، زاری و جذاب خوانده شود. قرآن کریم می‌فرماید: *ادعوربکم تضرعاً و خفیه؛ خداوند درباره حضرت زکریا و حضرت عیسی (علیهم السلام) می‌فرماید: آنان در کاری خیر سرعت داشتند و با امیدواری و باترس ما را می‌خوانند.*

۴) ده چیز از مقارنات حال دعا است که باید خواننده آن را مراعات کند:

۱ - اصرار در دعا، ۲ - تعجیل نکردن در دعا، ۳ - نام بردن حاجات، ۴ - صلوات بر محمد (صلی الله علیه وآله) و آل محمد (علیهم السلام) قبل و بعد از دعا، ۵ - پرهیز از ریاکاری، ۶ - به طور عمومی دعا کردن، ۷ - در حالت کسالت دعا نخواندن، ۸ - اشک دردعا، ۹ - کم و زیاد نکردن اجزاء دعا و ۱۰ - مقدم نشمردن سایر امور بر دعا

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند بندگان را که در دعا و حاجت اصرار دارند دوست دارد. امام رضا (علیه السلام) فرمودند: يك دعای پنهان با هفتاد دعا آشکار برابر است. (البته این حدیث منافاتی با تجمع در دعا ندارد چون دعای دست جمعی هم خاص خود را دارد). پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: دعا را عمومیت دهید که زودتر به اجابت می‌رسد، همانطوری که در دعای ماه مبارک رمضان هم همین آموزش را می‌بینیم. اللهم اشفع کل مریض، اللهم رد کل غریب، کلی گویی و کلی خواستن در دعا. مداحان و کلاً دعا خوانان باید به این چند نکته توجه کنند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: آنگاه که پوست بدنت بلرزد و اشک سرازیر شود و قلبت ترسید آن حال را غنیمت شمار که به مقصد نائل می‌شوی.

امام صادق (علیه السلام) باز هم می‌فرماید: هر چیز کیل و وزنی دارد به جز اشک که يك قطره اش دریاهاى آتش را خاموش می‌کند. مداح اهل رعایت و مجرب می‌توان همه این حالات را به مستمع انتقال دهد. برای دقت بیشتر عزیزان یکی از موارد ده گانه مقارنات دعا را بیشتر توضیح می‌دهیم.

کم و زیاد نکردن اجزاء دعا

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: در تکرار اذکار و دعا اسراری است که بر اهل ظاهر پوشیده است. همانطور که می‌دانیم کثر ادعیه و زیارات یا از ناحیه مبارک ائمه هدی (علیهم السلام) صادر شده است. لذا امانت داری حکم می‌کند که در عبارات و فرموده‌های ائمه (علیهم السلام) دخل و تصرف نکنیم. به این داستان توجه کنید. استاندار شام در زمان منصور دوانیقی به نام علی بن هبیره بود. یکی از غلامان خود را که شیعه بود به شدت تنبیه کرد و غلام که رضید نام داشت به مدینه آمد و به امام صادق (علیه السلام) شکوه برد. امام فرمودند: به شام برگرد و به ابن هبیره بگو من غلامت رضید را به پناه در آوردم. با او مدارا کن و به بدی رفتار نکن. رضید از محضر امام (ع) مرخص و با یکی از شاگردان امام (ع) مواجه می‌شوند. به او می‌گویند رضید دستانت را می‌بینم مثل دستان يك مقتول، چشمانت را می‌بینم به زودی مرگت فرا می‌رسد. اما زیانت را باز کن ببینم. زبان را گشود گفت چیزی بر زبان داری که اگر به حیوانات درنده درآورد و کوه بخوانی همه تحت فرمان تو قرار می‌گیرند. می‌گوید به شام رسیدم و مرا به کاخ استانداری بردند. استاندار قصد کشتن مرا داشت. گفتم پیغامی دارم. گفت از کی؟ گفتم از اباعبدالله جعفر بن محمد (ع). پیغام را گفتم بدون کم و کاست. هبیره مرا آزاد و حقوق مرا هم پرداخت کرد.

تکرار اذکار دعا اشکال ندارد ولی انسان را از مقصود و گنج نهانی دور می‌نماید. عرفا دعا را به گنج یا مخ العبادة تشبیه می‌کنند. مثلاً به فردی بگویند در فلان مکان وارد شدی سه متر در طول و دو متر عمیق را حفر کنی به گنج دست می‌یابی اما آن شخص برود و سه متر و نیم حفر کند و عمق هم کمتر یا بیشتر حفر کند قطعاً به گنج مقصود نمی‌رسد.

۵ - اشکالات وارده به برخی از محافل دعا و برخی از مداحان در این خصوص:

۱. برخی از مداحان با عوض کردن عباراتی از دعا و زیارت آنرا به شکل نوحه و یا شعار یا دم می‌خوانند که قطعاً دارای ایراد است. چون عوض کردن کلام امام معصوم (ع) اشکال دارد. مثلاً یکی از مداحان در قرائت دعای کمیل رسید به جمله یارب یارب یارب و اضافه کرد یارب الحسین (ع)، یارب الزهراء (ع)؛ حتماً باید دقت شود.

۲. روضه‌های طولانی بین دعا، سینه زنی وسط زیارت و یا دعا قطعاً نتیجه مطلوبی ندارد.

۳. در قرائت دعاها باید شرایط خاص را مثل روح و روان، سطح فکر و فرهنگ، سواد و موقعیت غم و شادی توجه شود. اگر مجلس ترحیم و یادبود است بانی اصرار دارد دعا باید خوانده شود، مداح باید تشخیص دهد این شرایط برگزاری دعا وجود دارد.

۶ - مهم‌ترین مسئله در رعایت آداب دعا که گریبانگیر اکثر هیات‌ها شده است مقدمه شدن زیارت و دعا برای سایر برنامه‌ها است. ما نباید اهمیت و جایگاه دعا را کمتر از جایگاه سخنرانی و مداحی بدانیم. زیرا قرآن کریم در آیه ۷۷ سوره فرقان می‌فرماید: قل ما یعابکم ربی لولا دعاءکم؛ اگر دعا و ناله و زاری و توبه شما نبود به شما اعتنا نمی‌کردیم.

این مناسب و شایسته نیست که دعا و یا زیارات عاشورا با آن همه عظمتش بشود مقدمه مداحی و یا سخنرانی. باید مداحان گرامی به این مهم توجه ویژه داشته باشند. البته مسوولین هیات‌ها هم وظیفه دارند که مورد بحث ما در این مقال نمی‌باشند.

۷ - عدم استفاده از کلمات نامانوس در دعا یا زیارات. پروردگار عالم را مرود خطاب غیر مودبانه قرار ندادن. ما باید ببینیم در دعای کمیل و در صحیفه سجادیه چگونه با خداوند متعال سخن می‌گویند. این را سرلوحه قرار دهیم نه هر چیزی که دل تنگ مان می‌خواهد بگوییم.

هیچ آدابی و تربیتی مجوی هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو

همین با مکتب تعقل و تفکر عمیق و ولایتی تشیع منافات دارد.

۸ - راجع به ارتباطات کلامی با اهل بیت(ع) باید خیلی دقت شود. مثلاً حسین را دارم با تو چه کار دارم. یا تا حسین مرا شفاعت نکند خدایا اگر تو هم بگو برو بهشت نمی‌رم، به حسین جواب می‌دم اما خدا به تو جواب نمی‌دهم. این مطالب علاوه بر اینکه شرك محسوب می‌شود عظمت خدا را نادیده شمردن است. تأثیرات منفی در محافل مذهبی دارد و مانع استجاب دعا است.

۹ - توجه به معانی دعا است. مثلاً اللهم اغفر لی الذنوب التي تحبس الدعاء؛ چه گناهای باعث حبس دعا می‌شود. مثلاً لقمه حرام که به فرموده پیامبر(ص) باعث حبس دعا می‌شود.

۱۰ - استفاده اشعار قوی، مناجات، احادیث نورانی که تأثیر دعا را دوچندان می‌کند. انشاءاله مداحان و دعا خوانان با رعایت نکات مذکور و با صدای جذاب و تأثیر گذار و رعایت شئون اخلاقی در ماه مبارک رمضان و در تمام طول سال بتوانند زمینه استجاب دعاها را به ویژه فرج امام عصر(عج) را فراهم نمایند. انشاءاله

علوم مداحی (۷): مداحی کاری بس دشوار

مقام معظم رهبری: "پس کارتان سخت است عزیزان، کار شما بر خلاف اینکه بعضی‌ها خیال می‌کنند چهار کلمه حفظ کنیم و يك صدایی هم داشته باشیم، بس است، نه، کار خیلی سخت است. کار هنرمندانه، موثر، هدایتگر و جهت بخش باشد".

پس از چند شماره پرداختن به اخلاق و آداب مداحی در نظر داریم از این شماره به بعد به علوم مختلف مداحی بپردازیم.

قبل از ورود به بحث علوم مداحی باید متذکر شویم که اولین پله موفقیت در آموزش و کسب علوم باور است. اگر مداحین عزیز اهل بیت (ع) در هر جایگاهی که هستند باور کنند که نیاز به آموزش و کسب علم دارند اولین گام موفقیت را برداشته‌اند.

به عبارتی بر هر مداح و شاعری که در زمینه مدح و مرثیه اهل بیت (ع) تلاش می‌کند لازم است علوم آن را فراگیرد. امروزه اکثر آسیب‌ها در مداحانی است که با کمی صدا و چهار کلمه خواندن و تبلیغ غیر واقعی برخی هیات‌ها از این قبیل مداحان موجی را به راه انداختند. والا این حریم و این کسوت این قدر مقدس است که حتی برخی بزرگان هم به خود اجازه نمی‌دادند در این حوزه وارد شوند یا اگر می‌شدند از سر ارشاد، راهنمایی و دلسوزی نه کوبیدن و تخریب از منظر آسیب شناسی بود. در این قسمت لازم است به برخی از علوم که يك مداح باید با آن آشنا باشد اشاره می‌کنیم:

- ۱ - آشنایی با روخوانی قرآن یا به عبارتی فصیح یا صحیح خواندن قرآن
- ۲- آشنایی با زبان و ادبیات عرب
- ۳ - آشنایی با احکام و مسائل شرعی
- ۴ - آشنایی با اصول و فروع عقاید شیعه و عقاید ضاله
- ۵ - آشنایی با تاریخ ادیان به ویژه تاریخ نورانی اسلام و تشیع
- ۶ - آشنایی با زبان و ادبیات فارسی
- ۷ - آشنایی با عرفان اهل بیت(ع)
- ۸ - آشنایی با روانشناسی در مداحی شامل فصاحت، بلاغت، بدیع و بصیرت
- ۹ - آشنایی با اخلاق مداحی
- ۱۰ - آشنایی با ادعیه و زیارات

همانطور که مشخص است در شرح و تفسیر هر يك از این علوم نیاز به نوشتن يك جلد کتاب است. اما ما به وسع خود و ظرفیت ماهنامه و همچنین حوصله مخاطبین ارجمند تا حدی که بتوانند از این علوم در جهت ارتقا علوم مداحی بهره‌مند گردند به بحث می‌نشینیم.

۱ - آشنایی با قرآن، روخوانی و روانخوانی قرآن

پر واضح است که قرآن و اهل بیت(ع) دو بال هستند و در حدیث ثقلین هم به این مهم تاکید شده است (کتاب ا... و عبرتی). مداحان عزیز در کلیه محافل شهدا، ترحیم و سایر جلسات طبق رسم و سنت قرآن می‌خوانند که بخش عمده‌ای از این قرائت از سه وجه ذیل فراتر نمی‌رود.

دسته اول: که اصلاً قرآن نمی‌خواند و علی القاعده با روخوانی قرآن آشنا نیستند. برادران باید توجه داشته باشند مداحین قدیم علاوه بر تسلط بر قرائت قرآن به مفاهیم و تفاسیر هم آشنا بوده‌اند. آشنایی با تلاوت قرآن علاوه بر فیض عمومی موجب نورانیت قلب و چهره و کلام مداح می‌شود. دسته دوم: که قرآن می‌خوانند عموماً غلط و در برخی از موارد مورد اعتراض کسانی که با آداب و اصول تلاوت قرآن آشنا هستند به ویژه قراء عزیز قرار می‌گیرند. دسته سوم: مداحانی که هم قرآن می‌خوانند هم مداحی می‌نمایند و انصافاً هر دو وجه را به طور کامل اجرا می‌نمایند. پس مداحان عزیز می‌بایست يك دوره کامل روخوانی و رونخوانی را آموزش ببینند، نه به این منظور که بشود قاری ممتاز البته اگر هم کسی بر این مقام برسد احسن وجه است. اما هدف این است که عزیزان وقتی در محافل قرآن تلاوت می‌کنند با ایراد و اشکال و انتقاد مواجه نشوند. حتی اگر قاری بر جسته هم در محفل نشسته زبان به تحسین بگشاید.

۲ - آشنایی با زبان و ادبیات عرب

مداحان عزیز اهل بیت عصمت و طهارت(ع) با کتب مقاتل، تاریخ و اشعاری سر و کار دارند که برخی از آنها عربی است. با احادیث و روایاتی رو به رو می‌شوند که زبان قال است (یعنی فرموده ائمه هدی(ع) است). کم و زیاد کردن اجزای کلام امام معصوم و جا به جا کردن اعراب در لغات عربی معانی را تغییر و بعضاً معانی نامانوس به خود می‌گیرد. از طرفی آشنایی با مقاتل عربی و خواندن جملات عربی تاثیر بسزایی در محافل و مجالس دارد و موجب ارتقاء سطح کیفی مجالس می‌شود. مداحان قدیمی برای این مهم به حوزه‌های علمیه می‌رفتند و حداقل صرف و نحو بعضاً مدارج بالاتر لمعتین و پایان سطح را هم فرا می‌گرفتند که این قبیل مداح را علامه مداحی می‌نامیدند و مراجع عظام تقلید هم در مجالس این قبیل مداحان می‌نشستند و موجب تشویق آنها می‌شدند. الحمدا... به برکت جمهوری اسلامی در تمامی شهرها حوزه‌های مقدس علمیه وجود دارد. لازم است مداحان به ویژه مداحان جوان به طور جد به حوزه‌ها رفته و يك دوره کامل صرف و نحو یا آنچه برای آشنایی با زبان عربی می‌باشد را بیاموزد.

۳ - آشنایی با مسائل شرعی و احکام

یکی از بازاریان قدیم تهران می‌گفت: در قدیم الایام اگر کسی می‌خواست محل کسبی دایر کند باید احکام کسب را فرا می‌گرفت و سپس مجوز می‌گرفت. از این رو کاسب را حبیب‌اله خوانده‌اند. شاید به این معنی که کاسب آداب و احکام کسب را می‌داند و به آن عمل می‌کند. از این رو حبیب اله لقب گرفته است. بسیار روشن و مبرهن است که مداحی اهل بیت(ع) هم دارای شئون مختلف است و حتماً نیاز به یادگیری احکام آن می‌باشد. یکی از مقلدین حضرت آیت‌ا... سید احمد خوانساری می‌گفت: به محضر معظم له شرفیاب شده‌ام عرض کردم آقا نصیحتی بفرمایید. فرمودند: رساله عملیه بخوانید. در سفر دیگر باز تقاضای موعظه کردم باز فرمودند: رساله احکام را بخوانید و تا بار سوم هم همین امر را فرمودند. همانطور که برادران مداح می‌دانند بسیاری اعمال، گفتار، اشعار، ما احکام شرعی را به همراه دارد. مثلاً خواندن شعرهای شرك آلود، فرمودند بدترین گناه کبیره است. پا برهنه شدن مردم، کف زدن در مساجد و اماکن مقدسه، تجویز سینه زنی در هنگام نماز، جاری شدن خون در هنگام سینه زنی یا زنجیر زنی و صدها مورد دیگر نیاز به دانستن احکام شرعی دارد که فتاوی مختلف هم در این زمینه‌ها

موجود می‌باشد. پس مداحان هم باید با مراجع تقلید خود در ارتباط باشند. همانطور که سیدالکریم عبدالعظیم الحسنی به محضر امام هادی(ع) مشرف و دین خود را عرضه کرده‌اند و امام(ع) فرمودند: "انت و لینا حق" هم دین خود را عرضه کنند و هم با مسائل شرعی و احکام آشنا باشند.

دهه اول محرم بود. آن روحانی دید مردی با چکمه وارد مسجد شد. گفت: چرا با چکمه وارد شدی؟ گفت: آشپز هستم و سه روز این کفش و چکمه را از پایم بیرون نیاورده‌ام. آقا فرمودند: پس برای نماز چه می‌کنی؟ گفت: حاج آقا، ما امام حسین(ع) را داریم دیگر به نماز نیازی نداریم.

انشاءاله حوزه‌های علمیه هم احکام مربوط به محافل عزاداری، مداحی را جمع آوری و در اختیار مداحان عزیز قرار دهند.

علوم مداحی (۸) : کسب معرفت علمی و معنوی و اعتقادی برای مداحان ضروری است

در شماره قبل با مواردی از علوم مداحی مانند:

۱ - آشنایی با روخوانی و روانخوانی قرآن

۲ - آشنایی با زبان و ادبیات عرب

۳ - آشنایی با احکام و مسائل شرعی

آشنا شدیم. در این شماره در صدیدم موارد دیگری را مطرح نماییم.

مداحان عزیز باید دنبال کسب معرفت از نظر فکر و عمل باشند. زیرا مداحی بی عمل دو ضرر دارد. اول ظلم بر نفس است و مصداق عتاب خداوند در آیه لم تقولون ما لا تفعلون و دوم مردم با دیدن تناقض بین حرف و عمل ما خدای ناکرده آن را به حساب دین می‌گذارند و حتی پای منبر و وعظ و مداحان هم با تردید می‌نشینند و یا در نهایتاً از حضور در محافل دوری می‌گزینند. پس بر ما فرض است.

الف - دنبال کسب معرفت و افزایش آن از منابع معتبر اسلامی می‌باشیم.

کسی که از نظر علمی و فکری ضعیف باشد به مثابه انسان نابینایی است که راه خود را از صدها پیچ و خم و سنگلاخ نمی‌تواند تمیز داده و دیگران را هدایت کند. پس مداحان باید به کسب معارف حقه اهل بیت بپردازند. چنانچه علی (ع) می‌فرمایند: "پس در فراگیری علم و دانش بیش از آنکه تلاش کنید و بیش از آنکه بخود مشغول گردید از معدن علوم اهل بیت (ع) دانش استخراج کنید(۱۷).

ارزش عالم و بی ارزشی جاهل از زبان مولی الموحیدین علی (ع) اهمیت به کسب علم و معرفت را برای جامعه مداحان به عنوان بازوی توانای تبلیغ دوصد چندان می‌کند. مولا علی (ع) می‌فرماید: "دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی انسان این بس که ارزش خویش نداند. بدترین افراد نزد خدا کسی است که خداوند او را به حال خود واگذاشته است تا از راه راست منحرف گردد. بدون راهنما باشد. اگر به محصولات دنیا دعوت شود تا مرز جان تلاش می‌کند. اما چون به آخرت و نعمت‌های گوناگون دعوت شود سستی ورزد. گویا آنچه برای آن کار می‌کند بر او واجب و آنچه نسبت به آن کوتاهی و تبلی می‌کند از او نخواسته‌اند(۱۸).

در دوره آموزشی اخیر با عزیزانی روبرو شده‌ام که چند سال سابقه مداحی داشتند. اما الفبای مداحی را نمی‌دانستند. حتی برخی‌ها نمی‌توانستند سه کتاب مقتل معروف نام ببرند.

کاشف به عمل آمده که این عزیز تمام وقت خود را به استماع سی دی‌های مداحان جوان بی مایه کرده دریغ از مطالعه يك کتاب تاریخی، مقتل، روانی یا داستانی دریغ از مطالعه تفسیر یا دیوان اشعار قدما و کتب اشعار خوب که در دسترس همگان قرار دارد.

یکی از رفقا نقل می‌کرد از يك نفر سوال کردند این شعر از کیست؟ سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز؛ پاسخ داد: حافظ. شاید به مزاح شبیه باشد ولی انصافاً بسیاری از مادحین عزیز جوان بسیار خوب، مومن و مورد عنایت اهل بیت (ع) هستند اما اهل مطالعه و کسب علم نیستند. بسیاری حتی نشستن در کلاس‌های آموزش مداحی و پای وعظ و خطابه را غیر ضروری می‌دانند.

ب - شناخت و مطالعه عقاید و اصول دین برای هر مداحی لازم و ضروری است

هر کس از نظر اعتقادی ضعیف باشد نمی‌تواند مبلغ باشد. مداحی که در اعتقادات خود تردید داشته باشد، یا ضعیف باشد یا مطالعه عمیق نداشته باشد چگونه می‌تواند روحیه توکل، توسل، صبر و حلم، تسلیم و صدها موارد دیگر

اعتقادی را در میان مردم با بیان استوار و محکم ترویج نماید. یکی از توصیه‌های مقام معظم رهبری بیان اشعار توحیدی و اعتقادی، ترویج معادو امامت و نبوت و ولایت است. مداحان اهل بیت باید با مطالعه عمیق مسائل اعتقادی و اصولی چند امتیاز را کسب کنند.

۱. تقویت بنیه اعتقادی خویش.

در این صورت در میان مسائل اعتقادی، قرائت اشعار توحیدی با اطمینان خاطر استوار سخن می‌گوید. سخن بدون تردید باور را آسان می‌کند.

۲. دیگر مانند بیدی نیست که با بادی بلرزد. به قول صائب:

به يك دو جلوه زمین خورد کاغذ باد - به هیچ جا نرسد هر که می‌پرانندش
هر گوینده‌ای که مسائل اعتقادی عمیق ندارد با وزش کوچکترین بادی منحرف می‌شود و به عبارتی دچار موج‌های مختلف روحی و فکری می‌شود.

چنانچه امیرالمومنین می‌فرماید: مردم سه دسته‌اند. دانشمندان الهی و آموزنده‌ای بر راه رستگاری و دست خوش باد و طوفان و همیشه سرگردان که بدنبال هر سر و صدایی می‌روند و با وزش هر بادی حرکت می‌کنند. نه از روشنایی دانش نور گرفتند و نه به پناهگاه استواری پناه بردند (۱۹).

سوم اینکه در طی مسیر بندگی سالم‌تر، موفق‌تر و پر شتاب‌تر خواهد بود. در این زمینه مقام معظم رهبری می‌فرماید: بنده صالح خدا کیست؟ آن کس که بیش‌تر از همه معارف اسلامی را می‌داند و بیش از دیگران به آن معارف است (۲۰). پس با توجه به مباحث فوق بر برادران مداح فرض است در مسائل اعتقادی مطالعه داشته باشند. زیرا هر ارزشی با وجود ایمان و عقیده صحیح ارزش واقعی پیدا می‌کند. نقش عقاید در اخلاق و رفتار جوامع انسانی نقش بنیادی دارد. با این وصف ضرورت و اهمیت پیگیری مسائل اعتقادی نیاز به توضیح بیشتر ندارد. عقاید اسلامی زیر بنای مسائل اخلاقی و احکام فقهی است هر انسانی مکلف در حد قدرت فکری و درک و تشخیص خود باید تحقیق کند و اصول و عقاید حقه را به عقل و فهم قطعی با راهنمایی مراجع تشیع درک نمایند.

بحث اعتقادات در مداحی بیشتر در قالب شعر و مرثیه آورده می‌شود. شعرایی هم که شعر می‌سرایند هر کدام به اندازه علم و درک و درایت خود از معارف سخن می‌سرایند. لذا ما اعتقادات را نباید از شعر دیگران بیاموزیم. بنابراین مداحانی که با شعر عرفانی و مذهبی سر و کار دارند. حتما باید دقت کنند کسی که سرمایه اعتقادی و علمی کافی ندارد نباید وارد شعر مذهبی شود. بلکه باید مراحل را در زمینه اعتقادی طی کرده تا بتواند در حرم خانه شعر مقدس مذهبی محرم شود.

و سخن از ولایت و معرفت و ایمان و اعتقاد بسراید. شاعری که يك دوره اعتقادات خود را اصلاح نکرده و نیاموخته باشد اگر شعر بگوید هم دیگران را به گمراهی می‌کشد و هم خود به معصیت گرفتار می‌شود. لذا شعر مذهبی از نظر اعتقادی بر دو پایه استوار است.

۱. توجه به اصل مذهب که همان اصول اعتقادات شیعه است.

۲. توجه به وقایع و تاریخ مذهبی و بازگو کردن فضائل، حقایق ارزشهای دینی و اولیاء الهی.

بر هر مداح و شاعر مذهبی لازم است که به حد و مرز اعتقادی سوق پیدا کند تا از افراط و تفریط در مدح و مرثیه پرهیز نماید.

آداب مداحی (۹) : اخلاص در گفتار

- مفهوم تبلیغ

تبلیغ در لغت به معنی رسانیدن، رساندن پیغام یا خبر می‌باشد و از نظر اصطلاحی عبارت است از روش‌های به هم پیوسته (در قالب يك مجموع) برای جهت دادن نیروهای اجتماعی و فردی از طریق نفوذ در شخصیت، افکار و عقاید و احساسات آنها جهت رسیدن به يك هدف مشخص که این هدف ممکن است سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و... باشد. امام خمینی(ره) می‌فرماید: "تبلیغ که همان شناساندن خوبی‌ها و تشویق به انجام آن و ترسیم بدی‌ها و نشان دادن راه گریز و منع از آن است از اصول بسیار مهم اسلام عزیز می‌باشد". مقام معظم رهبری می‌فرماید: "تبلیغ دین، یعنی همان را که در روایات محکم و آیات کریمه قرآن است بر این دل‌ها و ذهن‌ها بخوانید. این‌ها استقبال می‌کنند دل‌هایشان پاک و صاف می‌شود".

- جایگاه و اهمیت تبلیغ

بی گمان یکی از اهداف بعثت انبیا تبلیغ بوده است. خداوند تبارک و تعالی خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید: قل هذه سبيلي ادعوا الى ا... على بصيرة انا و من اتبعني و سيحان ا... و ما انا من المشركين؛ بگو این راه راست من است. من و پیروانم، با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم و من از مشرکان نیستم. (یوسف، آیه ۱۰۸) یا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك...؛ ای پیامبر(ص)! آنچه از خدا بر تو نازل شد به خلق برسان. و در جای دیگر می‌فرماید: ما على الرسول الا البلاغ؛ پیامبر(ص) وظیفه‌ای جز رسانیدن پیام الهی ندارد. فان توليتم فاعملوا انما على رسولنا البلاغ المبين؛ رسول ما جز تبلیغ(رسالت و اتمام حجت با بیان روشن) تکلیفی نخواهد داشت (مائده، آیه ۹۲). مبلغان دین باید اندیشه‌های زلال وحی و گفتارهای آسمانی معصومین(ع) را با بهترین شیوه و نیکوترین روش ارائه کنند و جان‌های شیفتگان هدایت و معنویت را از سخنان و دستورالعمل‌های عارفان و دانشمندان ربانی سیراب کنند و هرگز از امر به معروف و نهی از منکر غافل نباشند.

- اهداف تبلیغ اسلامی

هدف تبلیغ در مکتب اسلام کمال انسان است و زمینه‌های رسیدن به کمال حقیقی و قرب خداوند متعال عبارتند از:

۱. آشنایی دادن با راز آفرینش و جهان و انسان و به طور کلی آشنایی با خود آگاهی جامعه و خداآگاهی

۲. ترکیه اخلاق و پرورش صفات نیکوی الهی در انسان

۳. دعوت به جهان غیب

۴. دعوت به معاد

۵. دعوت به مکارم اخلاقی

۶. دعوت به تعلیم و تعلم

۷. دعوت به انقلاب درونی

۸. دعوت به آزادی اجتماعی و معنوی

۹. دعوت به عبادت و پرستش خداوند یکتا

۱۰. دعوت به فطرت و اندیش

۱۱. ایجاد منش عدالت خواهی

۱۲. تقویت سازگاری اجتماعی و وحدت کلمه

۱۳. پرورش اعتقاد به ولایت و امامت

۱۴. استکبار زدایی

ویژگی‌های فردی و اجتماعی مبلغ

مبلغ تابلوی دین و نماد اسلام است. رفتار، کردار و گفتار او برای مردم الگو می‌باشد. راجع به بزرگترین مبلغ بشریت حضرت رسول اکرم (ص) لقد كان لکم فی رسول... اسوه حسنه. (احزاب / آیه ۲۱)

مردم اسلام و خوبی‌ها را در يك مبلغ مورد توجه و مذاقه مخاطبین به ویژه نسل جوان می‌باشد که دارای صفات بایسته و شایسته باشد که بر آنیم به بخشی از این صفات بپردازیم. اما قبل از آن به يك نکته هم باید توجه کرد که دشمنان فرهنگی ما همیشه در صدد تخریب چهره علماء روحانیون به ویژه ائمه جماعت و مبلغین دین هستند.

در کتاب خاطرات همفر انگلیسی آمده "یکی از مشکلات استعمار در رسیدن به اهدافش رابطه علماء و مردم، علاقه مردم را به مراجع و روحانیون و علمای ربانی بر پایه ایمان و عقیده است و باید بکوشیم با اتهاماتی به این قشر تأثیر گذار مردم را به آنها بدبین و اساس هرگونه جماعتی را برهم زنیم. در این رابطه لازم است تعدادی از افراد را در سالک روحانی در بیاوریم تا با اعمال غیر اخلاقی در ملاء عام از احترام مردم به آنها جلوگیری کنیم". لذا روحانیون عزیز بویژه قشر مبلغ و خطیب باید توجه داشته باشند تمام حرکات، رفتار، اخلاق، کلام و همه زوایای زندگی فردی و اجتماعی آنها زیر ذره‌بین دقیق مردم قرار دارد و باید با کسب خصوصیات ذیل در جهت نیل به اهداف عالیه اسلام ناب محمدی (ص) در قالب تبلیغ منصور باشند.

۱ - اخلاص:

باید سخن مبلغ خلوص داشته باشد. یعنی کمال خیرخواهی مخاطب از سوز دل برخاسته باشد، کسی می‌تواند داعی الی... و مبلغ پیام خداوند و انبیاء (ع) و ائمه هدی (ع) باشد که هیچ انگیزه‌ای جز خیر و مصلحت مردم نداشته باشد و سخنش از سوز دل برخیزد. پیامبراکرم (ص) فرمودند: ان الکلام اذا خرج من القلب و اذا خرج من اللسان لم يتجاوز الا ذان؛ سخن کز دل بیرون بیاید بر دل می‌نشیند و سخنی که فقط از زبان بیرون بیاید و دل از آن بی خبر باشد از گوشه‌های مردم تجاوز نمی‌کند. ضرب المثل معروف "سخن کز دل بر آید لا جرم بر دل نشیند" یا به عبارتی دل و زبان گوینده یکی باشد.

گویند شخصی وارد حرم امیرالمؤمنین (ع) شد و با يك وضع بسیار ساده و بی تکلف شعری را در قالب يك بیت خواند

"شمع می‌ریزم با پابت یا امیرالمؤمنین (ع) شد تا سر گلدسته‌هایت یا امیرالمؤمنین"

و عرض کرد یا علی صله ما را بده می‌خواهیم برویم. در این اثناء قسمتی از طلای حرم کنده شد و مقابل شخص قرار گرفت. يك شاعر برجسته‌ای هم صحنه را نگاه می‌کرد شروع کرد يك قصیده مطولی را خواند و تقاضای صله کرد. اما خبری نشد. در خلوت حرم به امیرالمؤمنین (ع) عرض کرد آقا برای يك بیت شعر ساده این همه صله عطا فرمودی ولی برای قصیده زیبای من صله عطا نفرمودید.

معلوم شد فرق بین شعر قوی و ضعیف را تشخیص نمی‌دهید. در عالم رویا حضرت را به خواب دید. آقا فرمودند:

ما درون را بنگریم و حال را نی برون را بنگریم و قال را

ما به اخلاص گوینده شعر کار داریم. گرچه محتوا اهمیت دارد. لذا گاهی اوقات با يك حديث کوتاه، با يك خبر چند دقیقه‌ای دلهای زیادی تسخیر و متوجه خدا می‌شوند. اما اگر اخلاص نباشد ساعت‌ها، و ماه‌ها و سال‌ها منبر نتیجه در خور توقع را نخواهد داشت.

خلق زبان به دعوی عشق گشوده‌اند ای من غلام آنکه دلش با زبان یکی است

برای تیمن و تبرک بحث هر شماره دو حدیث نورانی را ذکر می‌کنیم. پیامبر اکرم (ص) ابلاغوا حاجته من لا يستطيع ابلاغها حاجه، فمن ابلى سلطانا حاجه من لا يستطيع ابلاغها ثبت... قدمیه علی الصراط یوم القیامه؛ حاجت کسی را که صدایش به حاکمان نمی‌رسد، به آنان به برسانید، زیرا هر کس حاجت درمانده‌ای را به حاکمی برساند، خداوند به روز واپسین پایش را به پل صراط استوار می‌کند.

نعم العطیه کلمه حق سمعا ثم تحملها الی اخ لك مسلم؛ چه نیکوست هدیه‌ای است سخن حقی که بشنوی و به برادر مسلمان خویش دهی.

آداب مداحی (۱۰) : دو صد گفته چون نیم کردار نیست!

۲ - سعه صدر

حضرت موسی (ع) در اولین لحظه که مسئول تبلیغ شد از خدا با جمله قال رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و حل عقدہ من لسانی یفقهو قولی (۲۱) استمداد خواست. سعه صدر یعنی آماده شنیدن زخم زبانها، تهمت‌ها و طعنه‌ها. تحمل سلیقه‌های مختلف خودی‌ها و نیز تحمل بی‌مهری‌ها. خداوند در قرآن کریم به پیامبر (ص) می‌فرماید: "الم نشرح لك صدرك؛ آیا ما سینه تو را گشاده نساختم." محال است انسان در تبلیغ مخالف و رقیب نداشته باشد. از اول خلقت هم همین طور بوده است، در هر بعدی که انسان حرکت کند تبلیغ، تدریس، تألیف، هنر و مدیریت نقش مؤثر داشته باشد مخالف خواهد داشت. سلاح این میدان تحمل است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: "انما الحليم من اذا اودى صبر اذا ظلم غفر؛ بردبار کسی است که اگر آزار و اذیت شد صبر کند و اگر به او ستم شد ببخشد (۲۲)". تبلیغ بدون سعه صدر امکان‌پذیر نیست. انسان‌های مؤمن و پارسا موظف بر پایداری در مقابل کارشکنی‌ها، درگیری‌ها و انکار مخالف می‌باشند. در برابر سختی‌ها مردانه می‌ایستند و مشکلات را با سر پنجه تدبیر و حلم و توکل حل می‌کنند.

۳ - ساده گویی در عین استحکام

گوینده باید در زمینه بحث از آگاهی کامل برخوردار باشد و در زمینه‌هایی که آگاهی ندارد وارد نشود و اگر از سوی مخاطب سؤالی مطرح شد که پیش بینی نمی‌کرد و پاسخ آن را نمی‌دانست از گفتن کلمه نمی‌دانم شرم نکند. شهید مطهری می‌فرماید: آنچه را نمی‌دانی، اگر از تو پرسند با کمال صراحت مردانه بگو نمی‌دانم (۲۳). علامه حسن زاده آملی در الهی نامه بخدا عرض می‌کند: خدایا همین را می‌دانم که معلوماتم به اندازه مجهولاتم نمی‌باشد معلومات ما يك قطره است و مجهولات ما يك اقیانوس (۲۴). سبط بن جوزی یکی از وعاظ معروف عصر خویش بر فراز میزی که سه پله داشت، نشست و برای مردم شروع به صحبت کرد. زنی از پای منبر بلند شد. مسئله‌ای از او پرسید او گفت: نمی‌دانم. زن گستاخی نمود و گفت: تو که نمی‌دانی چرا سه پله از دیگران بالاتر نشسته‌ای؟ گفت: این سه پله را که من نشسته‌ام که اندازه‌ای است که می‌دانم. من به اندازه معلوماتم بالا رفته‌ام. اگر به اندازه مجهولاتم می‌خواستم بالا بروم منبری درست می‌کردند که تا فلك الافلاك بالا می‌رفت (۲۵).

۴ - استقامت و پشتکار

مبلغ باید بداند که مخاطبان او یکسان نیستند، مراتب ایمانی افراد و ظرفیت معنوی آنها مختلف می‌باشد. بنابراین نباید از تفاوت مخاطبان اندوهگین شود و باید با استقامت و پشتکار به راه و هدف خود در جهت هدایت و ارشاد مردم ادامه داده و از برخوردهای بد و منفی افراد دلسرد نشود. پیامبر اسلام (ص) برای ترویج و تبلیغ دین مبین اسلام در مقابل سیل بدگویی‌ها و تهمت‌ها به سحر و جادو ضلالت و گمراهی، سفاهت و انحراف و... به امر خدای متعال راه صبر و استقامت پیشه نمود و در این امر موفق گردید. خداوند به پیامبر (ص) فرمود: واستقم كما امرت (۲۶). یا در جایی دیگر می‌فرماید: فاصبر كما صبر اولوالعزم من الرسل (۲۷).

آری صبر و استقامت راه رسیدن به مقصود است. بویژه در فرهنگی و تربیتی همانطوری که رشد بذر در دل زمین زمان می‌برد، رشد حکمتها در دل‌های آماده زمان می‌برد اما بعد از کسب نتیجه ماندگار خواهد بود. خداوند در جهت دلداري پیامبر (ص) می‌فرماید: "يا ايها الرسول لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر من الذين قالوا آمنا بافواهم ولوتو من قلوبهم؛

ای پیامبر، کسانی که در کفر شتاب می‌کنند غمگینت نسازند. آن گروه که به زبان گفتند ایمان آورده‌ایم ولی دل‌هایشان ایمان نیاورده است".

مبلغی که پیرو رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) باشد باید از آن بزرگواران درسی بیاموزد و در راه ترویج دین، صبر و استقامت پیشه کند. چنانچه تبر اگر با ضربه اول چوب را نشکند ادامه و تلاش بیشتر چوب را دو نیم خواهد کرد. از حکیمی پرسیدند: مبلغ را تعریف کن. گفت: همانند آب، هیچ صخره‌ای در مقابل او تاب و تحمل ایستادگی ندارد. آب حتی سنگ را هم سوراخ می‌کند. در زمان حضرت آیت‌ا... العظمی بروجردی (ره) یکی از نمایندگان ایشان به آبادان اعزام شد. مخالفان و منافقان که نتوانستند حضور فعال

او را در میان مردم تحمل کنند، هر روز شایعاتی را در میان مردم پخش می‌کردند. کار به درازا کشید و طولانی شد. یک روز آن روحانی صبور و با استقامت مردم را به محل سخنرانی دعوت کرد. مخالفان گفتند: با وجود این مشکلات ایشان خسته شده و می‌خواهد گلایه کرده و خداحافظی کند! او در سخنرانی خطاب به مردم گفت: اگر در شهر شایع شد که فلانی فلان خلاف را انجام داده باور کنید ولی اگر روزی شایع کردند فلانی خسته شده و می‌خواهد سنگر تبلیغ را ترک کند، هرگز باور نکنید. لذا همه نسبت به او دلگرم و امیدوار شدند و بازار شایعات خنثی و مخالفان مابوس شده و او را رها کردند.

۵ - خودسازی (همراهی علم و عمل)

خداوند در آیات متعددی از قرآن به همراه ایمان عمل صالح را مطرح نموده یعنی ایمان بدون عمل صالح کارساز نیست. مبلغ اگر بخواهد بگوید و عمل نکند نه تنها در مردم اثر مثبت نخواهد گذاشت بلکه اثرات مخرب و منفی در پی خواهد داشت.

قرآن در انتقاد از چنین افرادی می‌فرماید: اَتَامِرُونَ النَّاسَ بِالْبَرِّ وَ تَنْسَوْنَ انْفُسَكُمْ وَ انْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ افَلَا تَعْقِلُونَ؛ آیا مردم را به نیکی دعوت کرده و خودتان فراموش می‌نمایید با این که شما کتاب آسمانی را می‌خوانید (۲۸). هیچ فکر و اندیشه نمی‌کنید. یا در جای دیگر می‌فرماید: لَمْ تَقُولُوا مَالًا تَفْعَلُونَ؛ چرا آنچه را انجام نمی‌دهید، می‌گویید.

و خلاصه اینکه مبلغ بیش از اینکه بگوید مردم را باید با عمل و رفتار و اخلاق مناسب با دین و تقوا و سیره ائمه طاهرین (ع) دعوت به راه حق نموده و با عمل مروج احکام عالیّه اسلام باشد. حضرت امیر (ع) می‌فرماید: هر کس خود را راهنما و امام دیگران قرار دهد، ابتدا باید به تعلیم خود بپردازد. امام صادق (ع) می‌فرماید: عالم اگر به علم و دانش خود عمل نکند، موعظه‌های او از دل‌ها می‌لغزد و اثر نداشته و نفوذ نمی‌کند، بر دل نمی‌نشیند همانند باریدن باران بر سنگ صاف و صیقلی که بر آن بند نمی‌شود و نمی‌ماند. امام کاظم (ع) می‌فرماید: طوبی للعلما بالفعل ویل للعلما بالقول؛ خوشا به حال دانشمندان با عمل و وای بر عالمان بدون عمل (۲۹).

امام صادق (ع) در حدیث معروف می‌فرماید: کونوا للناس بغير السننکم؛ مردم را با غیر زیانتان دعوت کنید. آری دو صد گفته چون نیم کردار نیست.

- عالم بی عمل در قالب روایات

رسول خدا (ص) می‌فرماید: عالم بی عمل مثل چراغی است که خودش می‌سوزد ولی نورش به مردم نمی‌رسد. حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: عالم بی عمل مثل چراغی بر پشت بام است که بیرون منزل را روشن می‌کند ولی اتاقها تاریک‌اند. پیامبر (ص) می‌فرماید: عالم بی عمل چون تیرانداز بدون کمان است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: عالم بی عمل همچون درخت بی ثمر و گنجی که دست نخورده و انفاق نشود.

- کلام اندیشمندان

عالم بی عمل، گرسنه‌ای است که روی گنج خوابیده. تشنه‌ای است بر کنار آب دریا بدون آنکه از او بنوشد. طبعی است که خود از درد می‌نالد. بیماری است که دئمانس‌خه درمان می‌خواند ولی عمل نمی‌کند.

آداب مداحی (۱۱): موقعیت‌شناسی رمز تاثیر گذاری

الف - تداوم و استمرار

یکی از اصول مهم و حرکت‌های تربیتی و فرهنگی که در رابطه با شکوفایی استعدادهای افراد انجام می‌شود از جمله تبلیغ استمرار است. حرکت‌های مقطعی ممکن است آثاری داشته باشد ولی آثار ماندگار در سایه تلاش‌های مستمر بدست می‌آید. همانطوری که در پرورش بذر کشاورزی پروسه خاصی باید انجام شود و یکبار رسیدگی و آبیاری کافی نیست در مورد رشد و شکوفایی انسان بمراتب برنامه دقیقتر و گسترده‌تر است. به همین جهت در مکتب تربیتی اسلام بر تداوم تبلیغ بسیار تاکید شده است. قرآن می‌فرماید: هماره باید گروهی در جامعه عهده‌دار امر تبلیغ باشند. ولکن منکم امه یدعون الی الخیر (۳۰) و این را بهترین برنامه می‌داند. و من احسن قولا ممکن دعا الی ... و عمل صالحا و قال اتی من المسلمین (۳۱) و نیز برنامه نماز جمعه در هر هفته و موعظه خطیب جمعه نشان از لزوم استمرار در تبلیغ دینی دارد. اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فسعوا الی ذکرک... و ذروا البیع (۳۲).

ب - تنوع و پرهیز از یکنواختی

در تبلیغ دینی باید اصل شادابی و نشاط را در نظر داشت و از ملال آور بودن بشدت پرهیز نمود. در بیان حقایق دینی و تربیتی باید عبارت‌های زیبا و شیوا، فصیح، روان، منسجم، رسا و گویا استفاده کرد. از کلمات نامفهوم، گنگ، سنگین، معما گونه و غیر قابل درک برای مخاطب دوری جست مگر در مواردی که برای ایجاد سوال و انگیزه به کار برده شود و پس از آن توضیح دهد از استدلال و برهان در کنار مباحث تفسیری و روایات تربیتی و اخلاقی و حکایات تاریخی استفاده شود. از سخن بزرگان دینی، داستان‌های زندگی علما و فرهیختگان، موعظه‌ها، اندرزه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، شعرهای پر محتوا، حکایت‌ها، غزلیات بهره‌گیری شود و خلاصه در محتوای سخن هم تنوع وجود داشته باشد تا مخاطب خسته نگردد و برای همگان بهره لازم باشد. موارد مورد ابتلا در زندگی روزمره قشرهای گوناگون در ضمن مباحث گفته شود و سخن بگیا نه و از مصداق‌های واقعی زندگی مردم نباشد و دردهای جامعه و درمان‌های آنها بازگو گردد. قرآن می‌فرماید: ادع الی السبیل الحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن (۳۳). حکمت و موعظه و جدال به صورت احسن تنوع در روش سخنوری را می‌آموزد.

این نکته را اشاره کنم که لازم نیست در هر سخنرانی و موعظه‌ای از همه موارد ذکر شده استفاده شود بلکه به صورت مناسب برخی از آن به کار گرفته شود و تشخیص با تبلیغ کننده است.

ج - تناسب و موقعیت‌شناسی

اگر يك آیه قرآن به جا و متناسب با شرایط مخاطب تلاوت شود ممکن است سرنوشت او را دگرگون سازد و انقلابی در روح او پدید آورد و مسیر زندگی او را عوض کند. هنگامی که آیه الم للذین امنوا تخشع قلوبهم لذكرک... (۳۴) از نوای صاحب نفسی نیمه شب به گوش گنهکار خسته دلی به نام فضیل می‌رسد گویا الان نازل شده و در شان او آمده. ناگهان همچون شهاب ثاقب دل تاریک او را می‌شکافد و فطرت آرمیده او را هشیار می‌سازد و در پاسخ به آیات الهی می‌گوید: بار پروردگارا زمان آن رسیده که بیدار شوم و جان تازه بگیرم و به سوی تو آیم. موعظه‌ای با اثر با دل‌های آماده چنین می‌کند وقتی متناسب با شرایط مخالف باشد.

نمونه دیگر سخن امام موسی بن جعفر (ع) در هنگامیکه از کنار خانه بشر عبور می‌کرد و صدای لهوی از خانه او بگوش می‌رسید و کنیزکی از خانه بیرون آمد. امام از او پرسید: صاحب خانه بنده است یا آزاد؟ کنیز گفت: آزاد است. حضرت فرمود: اگر بنده بود از مولایش می‌ترسید. وقتی کنیز به خانه وارد شد، بشر از او پرسید چرا تاخیر کردی؟ داستان را

گفت تا سخن امام را شنید، چنان انقلابی در روح خفته او پدید آمد که سر از پا نشناخته از جا پرید و با پای برهنه بدنبال امام دوید و خود را بحضرت رساند و سر بر آستان عیودت و بندگی سایید و گفت: مولای من آمده‌ام تا بگویم بنده‌ام و تا آخر عمر این پیمان را فراموش نکرده و برگناه بازنگشت.

يك سخن اینگونه تحول ایجاد می‌کند چرا که متناسب با ویژگی‌های مخاطب است. نمونه دیگر تلاوت سوره مریم توسط جعفر بن ابیطالب در حبشه برای نجاشی و حاکم قدرتمند حبشه بود. چون تناسب را در نظر گرفت و می‌خواهد آنچنان، تأثیری در نجاشی می‌گذاشت که اشك از چشمان او جاری شد و زمینه هدایت او به اسلام فراهم آمد و دشمنان بت پرست را سر خورده و مایوس ساخت. این‌ها نمونه‌هایی بوده از در نظر گرفتن تناسب در تبلیغ.

تناسب ابعاد گوناگون دارد. تناسب زمانی مانند ایام سوگواری و یا ایام سرور اهل بیت (ع) ایام اعتکاف، ماه مبارک رمضان تناسب مکانی مانند حرمین اهل بیت (ع)، مساجد، حسینیه‌ها، مراکز علمی مانند مدارس، موسسات، دانشگاه‌ها، تناسب مخاطب، اقشار مختلف یا قشر خاصی مانند دانشگاهیان، نیروهای مسلح، جوانان و نوجوانان و خواهران تناسب جغرافیایی استان‌ها، آداب و رسوم، فرهنگ‌ها، روستا یا شهر.

د - فرصت سنجی

مبلغ باید از فرصت‌ها استفاده کند و آن‌ها را از دست ندهد چرا که فرصت‌ها زمینه شنیدن سخن حق فراهم است و مخاطب زمینه بیشتری برای پذیرش دارد.

حضرت یوسف در زندان هنگامی که دو هم‌بند او خواب دیدند و از حضرت تعبیر خواب خود را خواستار شدند فرصت را مناسب دید و به موعظه و نصیحت آن‌ها پرداخت و قبل از تعبیر خواب به آن‌ها گفت: انی ترکت مله قوم لا یؤمنون بالله و هم بالاخره هم کافرون × یا صاحبی السجن ارباب متفرقون خیر امرالله الواحد القهار × ما تعبدون من دونه الا الا سماسمینوها انتم و اباءکم ما انزل الله بها من سلطان ان الحكم الا الله امر الا تعبدوا الا اياه ذالك الدين القيم ولكن اکثر الناس لا یعملون(۲۵) و سپس تعبیر خواب را بیان کرد.

پیامبر عظیم‌الشان اسلام از کنار جوانانی می‌گذشت که سابقه وزنه برداری داشتند. پیامبر ایستاد و از آن‌ها پرسید چه می‌کنید. گفتند مسابقه می‌دهیم تا معلوم شود کدامیک از ما قویتر است. حضرت ضمن تأیید این حرکت ورزشی فرمود: "اشدکم غلب هواه؛ قویترین شما کسی است که در برابر نفس و غرائز مقاومت کند و بر آن‌ها پیروز شود(((. پیامبر خدا از يك فرصت استفاده کرد و جوانان را نصیحت فرمود. در سفری پیامبر و یاران به صحرایی رسیدند، توقف کردند. قرار شد برای غذا آتشی فراهم آورند. اما در بیابان خشك اثری از هیزم پدیدار نبود اما به دستور پیامبر همه به جستجو پرداختند و بعد از ساعتی نزد پیامبر بازگشتند. هر کسی مقدار اندکی هیزم جمع کرده بود. همگی روی هم ریختند و مقدار قابل توجهی هیزم فراهم آمد.

پیامبر اسلام (ص) از این نکته فرصت سنجی بهینه‌ای کردند و رو به اصحاب کردند و فرمودند: گناهان ما در زندگی روزمره به چشم نمی‌آید ولی وقتی همه آنها يك جا جمع می‌شوند کوهی از گناه هستند.

آداب مداحی ۳: کسب معرفت ضرورتی انکارناپذیر

(۱) تقویت بنیه اعتقادی خویش

در این صورت در بیان مسائل اعتقادی و در قرائت اشعار توحیدی با اطمینان خاطر و استوار سخن می‌گویید. سخن بدون تردد، باور را آسان می‌کند.

(۲) دیگر مانند بیدی نیست که بادی بلرزد.

مداحان عزیز باید دنبال کسب معرفت از نظر فکر و عمل باشند. زیرا مداحی بی‌عمل دو ضرر دارد. اول ظلم بر نفس است و مصداق عتاب خداوند. در آیه لم تقولون مالا تفعلون و دوم، مردم با دیدن تناقص بین حرف عمل ما، خدای نکرده آن را به حساب دین می‌گذارند و حتی پای منبر و عاظم مداحان اهل عمل هخ با تردد و در نهایت از حضور در محافل دوری می‌گزینند. پس بر ما فرض است:

الف) دنبال کسب معرفت و افزایش آن از طریق منابع معتبر اسلامی باشیم.

کسی که از نظر علمی و فکری ضعیف باشد به مثابه انسان ناپایدار است که راه خود را از صدها پیچ و خم و سنگلاخ نمی‌تواند تمییز داده و دیگران را هدایت کند. پس مداحان باید به کسب معارف حقه اهل بیت بپردازند چنانچه علی (ع) می‌فرمایند: "پس در فرگیری علم و دانش بیش از آنکه بخود مشغول گردید از معدن علوم اهل بیت (علیهم السلام) دانش استخراج کنید" (۳۶)

ارزش عالم و بی‌ارزش جاهل از زبان مولی الموحیدین علی (ع)، اهمیت کسب علم و معرفت را برای جامعه مداحان به عنوان بازوی توانای تبلیغ دو صد چندان میکند. مولا می‌فرماید "دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی انسان این بس که ارزش خویش نداند." بدترین افراد نزد خدا کسی است که خدا او را به حال خود وا گذاشته تا از راه راست منحرف گردد و بدترین افراد نزد خدا کسی است که خدا او را به حال خود وا گذاشته تا از راه راست منحرف گردد و بدون راهنما باشد. اگر به محصولات دنیا دعوت شود تا مرز جان تلاش کند. اما چون به آخرت و نعمت‌های گوناگون دعوت شود سستی ورزد. گویا آنچه برای آن کار می‌کند بر او واجب و آنچه نسبت به آن کوتاهی و تبلی می‌کند، از او نخواستند" (۳۷)

در آموزشی اخیر با عزیزانی رو به رو شده‌ام که چند سال سابقه مداحی داشتند. اما الفبای مداحی را نمی‌دانستند. حتی برخی نمی‌توانستند سه کتاب مقتل معروف نام ببرند. کاشف به عمل آمد که این عزیز تمام وقت خود را صرف استماع سی دی‌های مداحان بی‌مایه جوان کرده و دریغ از مطالعه يك کتاب، مقتل، رویایی یا داستانی. دریغ از مطالعه و تفسیر یا دیوان اشعار قدما و کتب اشعار خوبی که در دسترس همگان قرار دارد.

یکی از رفقا نقل می‌کرد، از يك نفر سؤال کردند این شعر از کیست؟

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز

پاسخ داد "حافظ". شاید به مزاح شبیه باشد، ولی انصافاً بسیاری از مداحین عزیز جوان ما بسیار خوب، مومن و مورد عنایت اهل بیت (علیهم السلام) هستند اما اهل مطالعه و کسب علم نیستند. بسیاری حتی نشستن در کلاسهای آموزش مداحی و پای وعظ و خطابه را هم غیر ضروری می‌دانند.

ب) شناخت و مطالعه عقاید و اصول دین برای هر مداحی لازم و ضروری است.

هر کس از نظر اعتقادی ضعیف باشد نمی‌تواند مبلغ باشد، مداحی که در اعتقادات خود تردد داشته باشد یا ضعیف باشد یا مطالعه عمیق نداشته باشد چگونه می‌تواند روحیه توکل، توسل، صبر و حلم، تسلیم، رجعت و صدها موارد دیگر اعتقادی را در میان مردم با بیان استوار و محکم ترویج نماید. یکی از توصیه‌های مقام معظم رهبری بیان اشعار توحیدی و اعتقادی و ترویج معاد، امامت، نبوت، و ولایت است. ماحان اهل بیت (علیهم السلام) باید در مطالعه عمیق مسائل اعتقادی و اصولی چند امتیاز را کسب می‌کند. به قول صائب:

به يك دو جلوه زيمَن خورد كاغذ باد به هيچ جا نرسد هر كه مي‌پرانندش

هر گوینده‌ای که مسائل اعتقادی را نداند با وزش کوچکترین بادی منحرف می‌شود و به عبارتی دچار موج‌های مختلف روحی و فکری می‌شود. چنانچه امیر المومنین فرمود مردم سه دسته‌اند. دانشمندان الهی و آموزنده‌ای بر راه رستگاری و پشه‌های دستخوش باد و طوفان و همیشه سرگردان، که به دنبال هر سر و صدایی می‌روند و با وزرش هر بادی حرکت می‌کنند. نه از روشنایی دانش نور گرفته و نه به پناه به پناهگاه استواری پناه برده‌اند. (۳۸)

سوم اینکه در طی مسیر بندگی سالم‌تر، موفق‌تر و پر شتاب‌تر خواهد بود. در این زمینه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: بنده صالح خدا کیست؟ آن کسی که بیشتر از همه معارف اسلامی را می‌داند و بیش از دیگران متصف و موصوف به آن معارف است. (۳۹)

بنابراین، با توجه به مباحث فوق، بر برادران مداح فرض است که در مسائل اعتقادی مطالعه داشته باشند. زیرا هر ارزشی با وجود ایمان و عقیده صحیح جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کند. نقش عقاید در اخلاق و رفتار جوامع انسانی بسیار بنیادی است. با این وصف، ضرورت و اهمیت پیگیری مسائل اعتقادی نیاز به توضیح بیشتر ندارد. عقاید اسلامی زیر بنای مسائل اخلاقی و احکام فقهی است. هر انسان مکلف در حد قدرت فکری و درک و تشخیص خود باید تحقیق کند و اصول عقاید حقه را با عقل و فهم خود و با راهنمایی مراجع و علما تشیع درک نمایند.

مباحث اعتقادی توسط مداح، بیشتر در قالب شعر و مرثیه آورده می‌شود. شعرایی هم که شعر می‌سرایند هر کدام باید به اندازه علم، درک و درایت و آموخته‌های خود، از معارف طخن بسرایند. لذا مداحانی که با شعر عرفانی و مذهبی سر و کار دارند حتماً باید دقت کنند. کسی که سرمایه اعتقادی و علمی کافی ندارد نباید وارد شعر مذهبی شود. بلکه باید مراحل را در زمینه اعتقادی طی کرده تا بتواند در حرم خانه شعر مقدس مذهبی محروم شود و سخن به ارادات و ولایت و معرفت و ایمان و اعتقاد بسراید. شاعری که اعتقادات خود را تحقیقی نکرده باشد، اگر شعری بگوید هم دیگران را به گمراهی می‌کشد و هم خود به معصیت گرفتار می‌شود. لذا شعر مذهبی از نظر اعتقادی بر دو پایه استوار است:

(۱) توجه به اصل مذهب که همان اصول اعتقادات شیعه است.

(۲) توجه به وقایع و تاریخ مذهبی و بازگو کردن فضائل، حقایق ارزشهای دینی و اولیاء الهی بر هر مداح و شاعر مذهبی لازم است که به حد و مرز اعتقادی سوق پیدا کند و از افراط و تفریط در مدح و مرثیه پرهیز نماید.

۲۴ راهکار برای مطالعه و یادگیری:

- ۱ - انتخاب بهترین زمان برای مطالعه و حفظ کردن
- ۲ - خوب مطالعه کردن، نه زیاد و بی‌کیفیت
- ۳ - شروع با بهترین‌ها: زیارت عاشورا و تعقیبات مشترکه به ویژه عبارات ذیل:

سبحان من لا يعتدى على اهل مملكته، سبحان من لا ياخذ اهل الارض، اللهم اجعل فى قلبى نوراً و بصراً و فهماً و علماً انك على كل شى قدير.

۴ - مطالب جديد را به مطالب قديم اضافه نمودن. محفوظات خود را مثل داربست فرض كنيد و اطلاعات جديد را به هم پيوند دهيد.

۵ - تمرين و ممارست يادگيري را افزايش و تغيير مى‌دهد. مطالعه بر روى انسانهاى ۷۰ ساله نشان مى‌دهد كه ممارست در تمرين باعث حفظ يادگيري و ارتقاء آن مى‌شود. مطالعه منظم و برنامه ريزى و زمانبندي باعث تغيير ساختار ذهنى افراد مى‌شود. تمرين در افراد مسن بهتر است از جوانى كه تمرين ندارد.

۶ - به ايده‌هاى خود شانس شكوفى شدن بدهيد. خلاقيت نياز به آرامش و سكون دارد.

۷ - ذهن را فعال نگه داريد تا فرسوده نشود.

۸ - تجربه‌هاى گذشته را به كار بنديد.

۹ - تمرکز در مطالعه و برنامه‌ها را سرلوحه خود قرار دهيد.

۱۰ - ورزش به ويژه پياده روى، كوه پيمايى و شنا باعث فعاليت سلولهاى يادگيري مى‌شود.

۱۱ - هميشه به دنبال تازه جويى و دانش جديد باشيد.

۱۲ - عوامل بازدارنده را بشناسيد. عواملى كه باعث پاره شدن افكار ما مى‌شود مثل تلفن همراه، تلويزيون، مهمانى‌هاى بى‌مورد و...

۱۳ - هميشه به دنبال كارهاى مورد علاقه تان باشيد

۱۴ - تلفيق پديده‌هاى جديد با قديم؛ يعنى با هيچ مطلبى سرسرى برخورد نكنيد، حاشيه نويسى به نحوى مطالب را بيشتر متوجه شوند در نهايت ياد بگيريد و عمل كنيد.

۱۵ - روش‌هاى سريع را بياموزيد: تند خوانى، تند نويسى همراه با دقت لازم

۱۶ - مطالعه مستمر، بلند مدت و تدريجى باشد نه مقطعى و دفعتاً و ناگهانى

۱۷ - از اشتباه نهراسيد. اشتباهات را يادداشت كنيد و در صدد اصلاح باشيد.

۱۸ - عواملى كه باعث افزايش مطالعه ميشود يادداشت كنيد.

۱۹ - ديد خود را وسعت بخشيد

۲۰ - آرامش و خويشتندارى خود را حفظ كنيد.

۲۱ - در جستجوى حقيقت باشيد

۲۲ - در مواردى كه شك داريد سوال كنيد (الشك يطفى نور القلب) شبهه را برطرف كنيد.

۲۳ - هميشه به خاطر بسپاريد حافظه نسبى است

۲۴ - نوشتن را فراموش نكنيد. يك بار نوشتن مساوى است با پنج برابر خواندن.

موفق و مويد باشيد

تهيه و تنظيم: قاسم رضائى

پاورقی ها:

- (۱) مستدرک الوسائل، ج ۳۱۵ - ۱۲.
- (۲) الغیه، ص ۱۷۷ و مستدرک، ج ۱۲، ص ۳۱۵.
- (۳) الامالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۳۶۴.
- (۴) مصباح الشریعه، ص ۳۸۹.
- (۵) حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (رسول جعفریان)، ص ۳۴۰.
- (۶) مستدرک الوسائل.
- (۷) سوره نور، آیه ۷.
- (۸) سوره بقره، آیه ۷۹.
- (۹) مستدرک الوسائل.
- (۱۰) مستدرک الوسائل.
- (۱۱) نهج البلاغه.
- (۱۲) مفاتیح الاسراء.
- (۱۳) الامالی شیخ طوسی.
- (۱۴) مفوضه: کسانی که يك مرتبه از غلات پایین ترند.
- (۱۵) علل الشرايع
- (۱۶) خاطرات همفرانگلیسی، ترجمه دکتر مویدی
- (۱۷) نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵.
- (۱۸) نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶.
- (۱۹) نهج البلاغه، حکم ۱۴۷.
- (۲۰) تربیت از منظر ولایت، ص ۱۱۲.
- (۲۱) فرهنگ لغت فارسی عمید.
- (۲۲) روش‌های تبلیغ رضا علی کرمی، ص ۱۴.
- (۲۳) ره توشه راهیان نور، رمضان ۷۸.
- (۲۴) ره توشه راهیان نور، رمضان ۷۸.
- (۲۵) سوره یوسف، آیه ۱۰۸.
- (۲۶) سوره مائده، آیه ۶۷.
- (۲۷) سوره مائده، آیه ۹۹.
- (۲۸) سوره بقره، آیه ۴۳.
- (۲۹) سوره شوری، ص ۱۵.
- (۳۰) سوره احقاف، آیه ۳۵.
- (۳۱) سوره مائده، آیه ۴۱.
- (۳۲) صف، آیه ۲.
- (۳۳) اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴.
- (۳۴) کافی، ج ۲، ص ۷۸.

۲۵) همانا من آیین گروهی را به خدا بی‌ایمان و به آخرت کافرند ترك گفتم... ای دو رفیق زندان من آیا خدایان متفرق (دروغین) بهتر در نظام طبیعت و خلقت موثرند یا خدای یکتای قهار (که بر همه چیز غالب است) آنچه غیر از خدا می‌پرستید اسماء بی‌حقیقت و الفاظ بی‌معنی است که شما خودتان و پدران‌تان ساخته‌اید. خدا هیچ نشانه الهیت و کمترین اثر خالقیت در آن خدایان باطل ننهد و تنها حکمفرمای عالم وجود خداست و فرمان داده که جز آن ذات پاک یکتا کسی را نپرستید. این آیین محکم و استوار الهی است لیکن اکثر مردم در جهالت بر این حقیقت آگاه نیستند. (سوره یوسف، ۳۷ - ۴۰)

۳۶) نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵

۳۷) نهج البلاغه، ص ۱۰۶

۳۸) نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷

۳۹) تربیت از منظر ولایت، ص ۱۱۲